

فارسی ۳

۱-

(کاتظم کاظمی)

وسیم: دارای نشان پیامبری

(فارسی ۳، لغت، واژه نامه)

۲-

(کاتظم کاظمی)

غلط املائی و شکل درست آن: عنابت ← انابت

(فارسی ۳، املا، ترکیبی)

۳-

(علیرضا یعفری - شیراز)

الف) باد خزان کی رونق بستان تو را ببرد.

د) عنان عقلم ز دست برفت.

(فارسی ۳، زبان فارسی، صفحه ۱۵)

۴-

(راور تالش)

در گزینه «۲»، فعل «است» در جمله «وگر باده مست [است]» به قرینه لفظی حذف شده است.

هرگاه جزء حذف شده را از طریق معنا بفهمیم ← حذف به قرینه معنوی است، اما اگر جزء حذف شده در قسمتی از کلام باشد ← حذف به قرینه لفظی است.

تشریح گزینه های دیگر

در گزینه «۱»، فعل «است»، در مصراع دوم به قرینه معنوی حذف شده است. / در گزینه «۳»، فعل «است» به قرینه معنوی حذف شده است. / در گزینه «۴»، فعل «هستند» و فعل «است» حذف شده است. ← نگاه من به تو مشغول [است] و دیگران به خود مشغول [هستند] / معاشران ز می و عارفان ز ساقی مست [هستند]

(فارسی ۳، زبان فارسی، صفحه های ۱۵ و ۱۶)

۵-

(علیرضا یعفری - شیراز)

بیت «ج»، ایهام: «باز»: ۱- دوباره ۲- آشکارا «دامن تر»: ۱- گناهکار ۲- دامن مرطوب / بیت «ب»، تشبیه: آتش به آه و چشم به چشمه تشبیه شده است. / بیت «د»، تضاد: وصل و هجر / بیت «الف»، جناس: هوا (گاز بی رنگ و بو) و هوا (عشق) / بیت «ه»، حسن تعلیل: شاعر علت همیشه سبز بودن سرو را ترک تعلقات دنیا و داشتن آزادگی می داند.

(فارسی ۳، آرایه، ترکیبی)

۶-

(مسمن اصغری)

استعاره و تشخیص: باد صبا چمن را در خواب می کند.

حسن تعلیل: شاعر دلیل جنبیدن و حرکت درخت را خواب کردن چمن توسط باد دانسته است.

تشریح گزینه های دیگر

گزینه «۱»: «دامن از دست شدن» کنایه از «بی اختیار شدن» / تشبیه ندارد.

گزینه «۲»: «پروانه، آتش، شمع» مراعات نظیر / ایهام ندارد. (واژه «پروانه» ایهام تناسب دارد: ۱- مجوز (معنای مورد نظر شاعر) ۲- حشره پروانه (متناسب با شمع))

گزینه «۴»: «جام باده، [مانند] کشتی است»، «غم [مانند] بحر پر موج» تشبیه / تلمیح ندارد. (فارسی ۳، آرایه، ترکیبی)

۷-

(سیدجمال طباطبایی نژاد)

«عشق، فراموش نمی شود مگر با مرگ عاشق» مضمون مشترک بیت صورت سؤال و گزینه «۴» است.

سایر گزینه ها بیانگر وفاداری و عشق عاشق حتی پس از مرگ او هستند.

(فارسی ۳، مفهوم، صفحه ۲۰)

۸-

(سیدجمال طباطبایی نژاد)

بیت گزینه «۱»، به دوری شاعر از ریا و تزویر اشاره دارد، اما سایر گزینه ها بیانگر این نکته اند که تمام افراد جامعه در مستی و گناه به سر می برند و این مفهوم مشترک با بیت صورت سؤال است.

(فارسی ۳، مفهوم، صفحه ۱۹)

۹-

(مهمدرضا زرنج - شیراز)

بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۲»، به بی ادعایی عاشق حقیقی و سکوت او اشاره می کنند.

گزینه «۱»: به هر که تحمل آتش عشق را ندارد بگو به نزدیک آن نرود، چون جان خود را از دست می دهد.

گزینه «۳»: همانند پروانه باید در عشق صبور باشی.

گزینه «۴»: این پروانه با دیدن نور ماه نیز از بین می رود.

(فارسی ۳، مفهوم، صفحه ۱۴)

۱۰-

(مسمن اصغری)

مفهوم مشترک ابیات گزینه های «۲»، «۳» و «۴»: اطاعت از خداوند موجب نزدیکی و قربت به او خواهد بود. (ممت خدای را که طاعتش موجب قربت است). مفهوم بیت گزینه «۱»: دل و جان تابع امر و مشیت خداوند هستند.

(فارسی ۳، مفهوم، مشابه صفحه ۱۲)

فارسی ۱

۱۱-

(الهام ممدری)

واژگانی که معنای آن‌ها نادرست آمده است:

ج) گرده: پشت، بالای کمر / د) حفات: خواری، پستی

(فارسی، لغت، واژه‌نامه)

۱۲-

(الهام ممدری)

املاي صحیح واژه «لثیم» است.

(فارسی، املا، صفحه ۵۵)

۱۳-

(مرتضی منشاری - اردبیل)

واژه‌های وندی عبارت‌اند از: ۱) ستایش ۲) نیکویی ۳) پرستش ۴) زیبایی ۵) زندگی

۶) واژه‌ها ۷) درخشان

(فارسی، زبان فارسی، صفحه ۵۱)

۱۴-

(مرتضی منشاری - اردبیل)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۲»: چو گل ← مانند گل؛ «گل» نقش متممی دارد.

گزینه «۳»: «چون» حرف ربط وابسته‌ساز است و «او» نقش نهادی دارد.

گزینه «۴»: نفسِ خویش را گردن ← گردنِ نفسِ خویش؛ «را» نشانهٔ فکت اضافه

است و «نفس» نقش مضاف‌الیهی دارد. (فارسی، زبان فارسی، صفحه ۳۱)

۱۵-

(مریم شمیرانی)

واژه «تابدار» یک تلفظی است.

(فارسی، زبان فارسی، صفحه ۵۶)

۱۶-

(مریم شمیرانی)

«چین» در مصراع اول: ایهام تناسب: ۱- کشور چین (معنای مورد نظر شاعر) ۲-

شکن زلف (متناسب با حلقه)

چین: کشور چین (در مصراع اول)، چین: شکن (در مصراع دوم) ← جناس

(فارسی، آرایه، ترکیبی)

۱۷-

(مسین پرهیزکار - سبزوار)

در جملهٔ گزینهٔ «۱»، آب و قرآن سجع ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینهٔ «۲»: «هلاک و پاک» صامت پایانی یکسان دارند.

گزینهٔ «۳»: «تعمت و عنایت» صامت پایانی یکسان دارند.

گزینهٔ «۴»: «زندان و فرمان» سجع دارند، هر دو واژه هم‌وزن و دارای صامت پایانی

یکسان هستند. (فارسی، آرایه، صفحه ۵۷)

۱۸-

(مرتضی منشاری - اردبیل)

«خدمت به حق» مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه‌های «۱، ۳ و ۴» است و

در گزینهٔ «۲»، «خدمت به خلق» مطرح شده است.

(فارسی، مفهوم، صفحه ۵۷)

۱۹-

(مریم شمیرانی)

عبارت صورت سؤال بدین معنی است که «شکیبایی، کلید گشایش است»، اما در

گزینهٔ «۳» شاعر معتقد است که صبر در مقابل طوفان غم عاجز شد.

(فارسی، مفهوم، صفحه ۵۷)

۲۰-

(مریم شمیرانی)

در گزینهٔ «۲»، شاعر صبر پیش می‌گیرد، ولی در سه گزینهٔ دیگر امکان صبر و

شکیبایی برای عاشق وجود ندارد.

(فارسی، مفهوم، مشابه صفحه ۵۴)

عربی، زبان قرآن (۱)

۲۱-

(رُشا معصومی)

«اسْتَغْفِرُوا»: (فعل ماضی) طلب آموزش کردند / «لِذُنُوبِهِمْ»: برای گناهان خویش / «مَنْ»: چه کسی / «يَغْفِرُ»: می‌آمرزد / «الذُّنُوبُ»: گناهان را / «إِلَّا»: به جز، جز

(عربی (۱)، ترجمه، صفحه ۳۳)

۲۲-

(مبیر همایی)

«عُلَمَاؤُنَا»: دانشمندان ما / «أَسْرَارُ»: رازها / «تِلْكَ الظَّاهِرَةُ الْعَجِيبَةُ»: آن پدیده شگفت‌انگیز / «يُرْسِلُونَ»: می‌فرستند / «لِلتَّعَرُّفِ»: برای شناسایی، برای شناختن

(عربی (۱)، ترجمه، صفحه ۲۵)

۲۳-

(مهم‌صارق مهسنی)

«عندما»: هنگامی که، وقتی که / «أَدْخَلْنِي الزَّنَانَةَ السَّجَّانَ»: زندانبان مرا وارد سلول زندان نمود / «رَأَيْتُ أَنْ السَّجَّانَ»: دیدم که زندانبان / «يَتَدَاوَعُونَ»: (در این جا) همدیگر را هل می‌دادند / «يَتَسَاقَطُونَ»: (در این جا) پی‌درپی می‌افتادند

نکته مهم درسی:

در ترجمه فعل‌هایی که از باب تفاعل هستند، به دو کاربرد مشهور توجه نمایید: ۱- برای بیان مشارکت چند طرفه با استفاده از الفاظی مانند «همدیگر»، «یکدیگر» و ... : تَدَاوَعُ: همدیگر را هل دادن / تَسَاقَطُ: از یکدیگر سبقت گرفتن

۲- برای بیان پیوستگی در یک کار یا واقعه: تَسَاقَطُ: پی‌درپی افتادن / تَعَلَّقُ: پشت سر هم شدن، متوالی شدن

(عربی (۱)، ترجمه، ترکیبی)

۲۴-

(رُشا معصومی)

«عَلَى النَّاسِ أَنْ...»: مردم باید ... / «لَا يُصِرُّوْا»: اصرار نکنند / «عِدَاوَةٍ»: دشمنی‌ای / «لَا يَنْتَفِعُ بِهَا»: از آن سود نمی‌برد / «يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلِيمًا»: با یکدیگر مسالمت‌آمیز همزیستی کنند

(عربی (۱)، ترجمه، صفحه ۳۸)

۲۵-

(سیر مفسر علی مر تفوی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «احساس سرما کردم هنگامی که پنجره اتاقم باز شد!» درست است.

گزینه ۲: «برخی مردم دروغ می‌گویند و تو نیز در سخن راست نمی‌گویی!» درست است.

گزینه ۳: «باران قطع شد اما از رفتن به جشن دوستانم خودداری کردم!» درست است.

(عربی (۱)، ترجمه، ترکیبی)

۲۶-

(فائزه کشاورزبان)

«يَدْعُونَا»: ما را فرا می‌خواند

زیرا فعل مضارع است.

(عربی (۱)، ترجمه، ترکیبی)

۲۷-

(درویشعلی ابراهیمی)

«مُسْلِمُونَ» جمع مذکر سالم است، نه جمع مکسر.

در سایر گزینه‌ها: «سَكَانَ، الأديان و الإخوان» جمع مکسر هستند.

(عربی (۱)، واژگان، صفحه‌های ۳۸ و ۳۹)

۲۸-

(مهم‌صارق مهسنی)

صورت سؤال از ما گزینه‌ای را می‌خواهد که مطابق حواره، از جانب «الزَّائِرَةِ» (خانم زائر) نباشد. با توجه به مفهوم عبارت گزینه ۴ (این چمدان را این‌جا بیاور) این جمله از جانب «شرطی الجمارك»: پلیس گمرک گفته شده است، نه خانم زائر!

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «بفرما، چمدانم برای بازرسی باز است.»

گزینه ۲: «کتاب نیست؛ بلکه دفتر خاطرات است.»

گزینه ۳: «اما من به آن‌ها خیلی احتیاج دارم.»

(عربی (۱)، مفهومی، صفحه ۴۳)

۲۹-

(رضا معصومی)

«هنگامی که منتظر آرامش (پایداری) هوا هستیم، می‌گوییم: کاش آسمان بر ما بیشتر ببارد!» مفهوم مناسبی را ارائه نمی‌دهد.

**ترجمه سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۲: «هنگامی که معلم درس می‌دهد، مثال‌هایی را برای موضوعات گوناگون بیان می‌کند!»

گزینه ۳: «هنگامی که درجه هوا کم می‌شود، بارش برف (ها) را از آسمان مشاهده می‌کنیم!»

گزینه ۴: «هنگامی که بادهای سرعت خود را از دست می‌دهند، انسان کمتر آن‌ها را احساس می‌کند!»

(عربی (۱)، مفهوم، ترکیبی)

۳۰-

(مبیر همایی)

ترجمه گزینه ۲: «چنین است: هر گروه و دسته‌ای به آن چه که دارد، شاد است» که با مفهوم سؤال هماهنگ است.

**تشریح گزینه‌های دیگر**

گزینه ۱: «به انجام کار خوب توجه دارد!»

گزینه ۳: «به گفتگوی خوب با مردم توجه دارد!»

گزینه ۴: «به اهمیت سکوت توجه دارد!»

(عربی (۱)، مفهوم، صفحه ۳۸)

**ترجمه متن:**

«کودکی در (سن) نه سالگی‌اش بود که پدرش شیشه‌ی کوچک آب میوه‌ای را به او نشان داد که درونش، یک میوه‌ی بزرگ پرتقال بود، کودک تعجب کرد چگونه این پرتقال وارد این شیشه‌ی کوچک شده است، پس برای خارج کردن آن از شیشه تلاش کرد، اما فایده‌ای نداشت!

هنگامی که از پدرش پرسید این پرتقال بزرگ چگونه وارد آن شیشه، با دهانه‌ی تنگ، شده است، پدرش او را به باغ خانه برد و شیشه‌ای خالی آورد و آن را به شاخه‌ی یک درخت پرتقال با میوه‌های تازه متصل نمود، سپس یکی از میوه‌های کوچک را داخل شیشه کرد و آن را رها کرد، روزها گذشت تا زمانی که پرتقال بزرگ شد تا (جایی که) خارج شدن آن از شیشه، دشوار گشت. در این هنگام کودک راز را فهمید و پدر، فرصتی برای تعلیم فرزندش یافت، پس گفت: این همان دین است، اگر مبانی و اساس را در (درون) یک کودک در حالی که کوچک است، بکاریم، خارج کردن آن، از او در حالی که بزرگ است، دشوار خواهد شد!»

۳۱-

(سیر مفسر علی مر تفوی)

مطابق متن، «کودک کوچک تعجب کرد، چون راهی برای وارد کردن پرتقال در شیشه نیافت!»

**تشریح گزینه‌های دیگر**

گزینه ۱: «وقتی پدر درس جالبی را در باغ خانه به او آموخت!» نادرست است.

گزینه ۲: «چون نتوانست میوه‌ی پرتقال را از شیشه خارج کند!» نادرست است.

گزینه ۳: «زمانی که دید پرتقال بیش‌تر و بیش‌تر رشد کرد!» نادرست است.

(عربی (۱)، درک مطلب، ترکیبی)

۳۲-

(سیر مفسر علی مر تفوی)

«راز پرتقال حبس شده در مدت زمانی کوتاه برای کودک کوچک آشکار نگشت!» با توجه به عبارت «مرت الأیام» صحیح است.

**تشریح گزینه‌های دیگر**

گزینه ۱: «کودک در باغ، از پدرش راجع به شیشه پرسید!» نادرست است.

گزینه ۲: «مرد تصمیم گرفت که فرزندش را برای آموزش او درباره‌ی دین به باغ ببرد!» نادرست است.

گزینه ۳: «کودک و پدرش، یک روز تمام، برای رشد پرتقال در باغ منتظر ماندند!» نادرست است.

(عربی (۱)، درک مطلب، ترکیبی)

۳۳-

(سیر مفسر علی مر تفوی)

با توجه به مفاهیم متن درمی‌یابیم که نزدیک‌ترین عبارت، «یادگیری در کودکی، هم‌چون نقش زدن در سنگ است!» می‌باشد.

(عربی (۱)، درک مطلب، ترکیبی)

۳۴-

(سیر مفسر علی مر تفوی)

مرجع ضمیر: «الزجاجة»

(عربی (۱)، درک مطلب، ترکیبی)

۳۵-

(سیر مفسر علی مر تفوی)

«تَعَجَّبَ» فعلی ماضی است، مضارع آن، «یتعجَّبُ» می‌شود.

(عربی (۱)، درک مطلب، ترکیبی)

دین و زندگی (۳)

۳۶-

(سیر ممرعلی مرتضوی)

«أخرجی» (از باب افعال) و «أشاهد» هر دو ثلاثی مزید هستند.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فقط «إحترم» ثلاثی مزید است.

گزینه «۲»: فقط «أحترم» ثلاثی مزید است.

گزینه «۳»: فقط «تعارف» ثلاثی مزید است. «أخرجی» ثلاثی مجرد از فعل

«خرج-یخرج» می‌باشد.

(عربی (I)، قواعد فعل، ترکیبی)

۳۷-

(مبیر همایی)

فعل «یتحول»: تغییر می‌کند، تبدیل می‌شود» فعل لازم است. فعل‌هایی که

دارای مفعول هستند، فعل متعدی می‌باشند.

گزینه «۱»: «أنفس» مفعول است.

گزینه «۲»: «لبیت» مفعول است.

گزینه «۳»: «وجوه» مفعول است.

(عربی (I)، قواعد فعل، صفة ۳۰)

۳۸-

(مبیر همایی)

«تباحثت» در باب تفاعل قرار دارد. (تَبَاخَثَ، يَتَبَاخَثُ، تَبَاخُثُ)

(عربی (I)، قواعد فعل، صفة ۴۰)

۳۹-

(سیر ممرعلی مرتضوی)

«أختی و زمیلتها» (خواهرم و هم‌کلاسی‌اش) بر مثنای مؤنث دلالت دارد،

پس فعل مناسب برای آن، «تعلّمتا» است.

(عربی (I)، قواعد فعل، ترکیبی)

۴۰-

(ممرصارق ممسنی)

صورت سؤال از ما فعل ثلاثی مزیدی را می‌خواهد که معنای آن فرق داشته

باشد. در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» به ترتیب فعل‌های «یتعایشوا» و

«تعارفوا» مربوط به باب تفاعل و فعل «جالست» از باب مفاعلة می‌باشد که

همگی معنای مشارکت می‌دهند. اما در گزینه «۴»، فعل «یفرّق» از باب

تفعیل می‌باشد که معنای متعدی کردن فعل لازم را می‌دهد.

(عربی (I)، قواعد فعل، صفة ۴۲)

۴۱-

(فرزین سماقی - لرستان)

هر کدام از ما براساس فطرت خویش، خدا را می‌بایم و حضورش را در زندگی درک می‌کنیم و به روشنی می‌دانیم در جهانی زندگی می‌کنیم که آفریننده‌ای حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می‌کند و به مخلوقات مدد می‌رساند. با وجود این شناخت اولیه، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر درباره‌ی خداوند فرا می‌خواند.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفة ۷)

۴۲-

(مرتضی ممسنی‌کبیر)

این‌که جهان همواره و در هر آن به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ‌گاه قطع و یا کم نمی‌شود در آیه «يَسْأَلُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» مذکور است و افزایش عبودیت و بندگی معلول (تابع) درک بیش‌تر فقر و نیازمندی و افزایش خودشناسی (خویش‌شناسی) است.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفة‌های ۱۰ و ۱۱)

۴۳-

(مرتضی ممسنی‌کبیر)

خداوند را نه تنها در این دنیا نمی‌توان با چشم مادی دید، بلکه در آخرت نیز نمی‌توان او را با این چشم مشاهده کرد: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ». «چشم‌ها او را در نمی‌آیند» ولی نوعی دیدن وجود دارد که نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه از برترین هدف‌های زندگی است و هرکس باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند و آن دیدار و ملاقات خداست.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفة‌های ۱۳ و ۱۴)

۴۴-

(ممر رضایی‌بقا)

اگر فرض کنیم هر موجودی باید قبل از آن موجودی باشد تا آن را پدید آورد و این سلسله تا بی‌نهایت پیش رود، هیچ‌گاه هیچ موجودی پدید نخواهد آمد.

به عنوان مثال، در یک عدد ساعت، ممکن است ده‌ها چرخ‌دنده وجود داشته باشد که هریک باعث حرکت دیگری شود. چرخ‌دنده اول، چرخ‌دنده دوم را می‌چرخاند و چرخ‌دنده دوم، چرخ‌دنده سوم را و ... اگر به حرکت این چرخ‌دنده‌ها دقت کنید، متوجه خواهید شد که «موتور درون ساعت» علت اصلی حرکت این چرخ‌دنده‌هاست که آن موتور برای حرکت خودش، نیاز به هیچ چرخ‌دنده‌ای ندارد و علت نخستین حرکت ساعت است.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفة‌های ۸ و ۹)

۴۵-

(ممر رضایی‌بقا)

از آنجا که تنها موجود بی‌نیاز (غنی) خداوند است و همه موجودات، فقیر و نیازمند هستند، تنها خداوند است که می‌تواند نیاز آن‌ها را برطرف کند.

(دین و زندگی ۳، درس ۱، صفة ۸)

**دین و زندگی (۱)**

-۴۶

(ابوالفضل امرزاده)

امام علی (ع) می‌فرماید: «خدای من! مرا این عزت بس که بنده تو باشم و این افتخار بس که تو پروردگار منی. خدای من! تو همان گونه‌ای که من دوست دارم، پس مرا توفیق ده تا آن‌گونه باشم که تو دوست داری».

(دین و زندگی، ۳، درس ۲، صفحه ۱۸)

-۴۷

(مرتضی ممسنی‌کبیر)

وقتی کشاورز رابطه خود را با خدا بررسی می‌کند، می‌بیند که هم خودش و هم نیرو و توانش از آن خداست و کشت و زرع او براساس استعدادی که خداوند در آن قرار داده، رشد کرده و محصول داده است. در نتیجه درمی‌یابد که زارع حقیقی و پرورش‌دهنده اصلی زراعت او، خداست و باید شکرگزار او باشد.

(دین و زندگی، ۳، درس ۲، صفحه ۲۲)

-۴۸

(مرتضی ممسنی‌کبیر)

این تصور که چند خدا وجود دارد و هر کدام خالق بخشی از جهان‌اند، یا با همکاری یکدیگر این جهان را آفریده‌اند به معنای آن است که هر کدام از آن‌ها، محدود و ناقص هستند و به تنهایی نمی‌توانند کل جهان را خلق کنند.

همچنین به معنای آن است که هر یک از خدایان مذکور کمالاتی دارد که دیگری آن کمالات را ندارد. وگرنه عین همدیگر می‌شوند و دیگر چند خدا نیستند. چنین خدایان ناقصی، خود، نیازمندند و هر یک از آن‌ها به خالق کامل و بی‌نیازی احتیاج دارد که نیازش را برطرف نماید و این موضوع استدلال عقلی برای اثبات توحید در خالقیست است.

(دین و زندگی، ۳، درس ۲، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

-۴۹

(غریب سماقی - لریستان)

چون خداوند تنها خالق جهان است (علت)، پس تنها مالک آن نیز هست (معلول)؛ یعنی علیت خالقیست و معلولیت مالکیت.

(دین و زندگی، ۳، درس ۲، صفحه ۲۱)

-۵۰

(محبوبه ایتسام)

تأثیرگذاری انسان‌ها در فعالیت‌ها (مانند زراعت و باغبانی) به‌صورت غیرمستقل است. اگر مستقل باشد، شرک تصور خواهد شد. تدبیر انسان‌ها در طول ربوبیت خداست، نه در عرض آن.

وساطت معنوی پیامبران و پیشوایان به شرطی با توحید منافات ندارد که این توانایی را از خود آن‌ها ندانیم و به اذن و اجازه خدا بدانیم.

(دین و زندگی، ۳، درس ۲، صفحه‌های ۲۲، ۲۳ و ۲۴)

-۵۱

(سیرامسان هنری)

این‌که «زندگی دنیوی هم‌چون خوابی کوتاه و گذراست و زندگی حقیقی در جهان دیگر معنا می‌یابد»، با حدیث «لنَّاسُ نِيَامُ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا» ارتباط مفهومی دارد.

(دین و زندگی، ۱، درس ۴، صفحه ۴۳)

-۵۲

(مرتضی ممسنی‌کبیر)

از پیامدهای مهم نگرش منکران معاد برای انسانی که گرایش به جاودانگی دارد، این است که همین زندگی چندروزه دنیوی نیز برایش بی‌ارزش می‌شود، در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار می‌شود و شادابی و نشاط در زندگی را از دست می‌دهد.

(دین و زندگی، ۱، درس ۴، صفحه ۴۶)

-۵۳

(وفییره کاغزی)

عده‌ای هستند که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است. این افراد به دلیل فرو رفتن در هوس‌ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می‌دهند و از یاد آخرت غافل می‌شوند و از این‌رو، زندگی و رفتار آنان به گونه‌ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد.

(دین و زندگی، ۱، درس ۴، صفحه ۴۷)

-۵۴

(مهمر آقاصالح)

نداشتن ترس از مرگ، سبب می‌شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان‌تر شود.

شور و نشاط در پرتو اعتقاد به معاد به این دلیل است که انسان می‌داند هیچ‌یک از کارهای نیک او در آن جهان بی‌پاداش نمی‌ماند. چنین انسانی با تلاش و توان بسیار در انجام کارهای نیک و خدمت به خلق خدا می‌کوشد و می‌داند هر چه بیش‌تر در این راه گام بردارد، آخرت او زیباتر خواهد بود و آیه: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» به این پیامد دیدگاه اعتقاد به معاد اشاره دارد.

(دین و زندگی، ۱، درس ۴، صفحه‌های ۴۴ و ۴۵)

-۵۵

(مهمر رضایی‌بغا)

خداپرستان حقیقی معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می‌بینند و یا با کوله‌باری از گناه با آن مواجه می‌شوند. محدود دانستن زندگی به دنیا از عبارت قرآنی «قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا»: «کافران گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیایی ما نیست» قابل برداشت است.

(دین و زندگی، ۱، درس ۴، صفحه‌های ۴۵ و ۴۶)

زبان انگلیسی

۵۶-

(مبویه ایتسام)

عدل واقعی در جهان آخرت، پس از مرگ محقق می‌شود. آیه «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» به عدل الهی اشاره دارد.

(دین و زندگی، ۱، درس ۵، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۵۷-

(مبویه ایتسام)

ترجمه آیه ذکر شده، از «اشاره به پیدایش نخستین انسان» حکایت دارد که یکی از دلایل امکان معاد است.

(دین و زندگی، ۱، درس ۵، صفحه ۵۴)

۵۸-

(مرتضی مستنکبیر)

قرآن نه تنها معاد را امری ممکن می‌داند، بلکه وقوع آن را نیز ضروری و واقع نشدن آن را امری محال و ناروا معرفی می‌کند و استدلال‌هایی که امکان معاد را ثابت می‌کند، آن را از حالت امری بعید و غیرممکن خارج می‌سازد و عبارت قرآنی «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا» به بیهوده و عبث نبودن آفرینش خدا که بیانگر حکمت الهی و از دلایل ضرورت معاد است، اشاره دارد.

(دین و زندگی، ۱، درس ۵، صفحه‌های ۵۴ تا ۵۶)

۵۹-

(ممد رضا بن بقا)

پیامبران با قاطعیت کامل از وقوع معاد خبر و نسبت به آن هشدار داده‌اند. قطعیت و حتمیت معاد از تأکید فراوان قرآن در عبارت شریفه «لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» برداشت می‌شود.

(دین و زندگی، ۱، درس ۵، صفحه ۵۳)

۶۰-

(وفیره کاغزی)

کار عبث و بیهوده از جهل و نادانی سرچشمه می‌گیرد و نتیجه هدف‌دار بودن جهان خلقت بازگشت به سوی خداست که در عبارت «وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَاتُرْجَعُونَ» مورد توجه قرار گرفته است.

(دین و زندگی، ۱، درس ۵، صفحه‌های ۵۵ و ۵۶)

۶۱-

(بیوار مؤمنی)

ترجمه جمله: «جوزف: آیا الکس تصمیم گرفته است که بعد از ترک مدرسه در چند روز آینده چه کار کند؟»  
«جاستین: بله، همه چیز برنامه‌ریزی شده است. او قصد دارد برای دو هفته به تعطیلات برود.»

نکته مهم درسی

برای انجام کارهایی که با قصد و برنامه‌ریزی قبلی انجام می‌شود، از «فعل اصلی + be going to» استفاده می‌کنیم.  
(گرامر)

۶۲-

(رضا کیاسالار)

ترجمه جمله: «این باور وجود دارد که الکساندر سلکیرک یک الگو برای رابینسون کروزونه است، اما داستان او از رمان معروف خیلی متفاوت بود.»

نکته مهم درسی

دقت کنید اصل جمله به صورت زیر بوده است:

They believe Alexander Selkirk is a model for ...

اما برای مجهول کردن "believe" از ساختار زیر استفاده کردیم:

"مصدر با to + believed + صرف فعل to be" نهاد

(گرامر)

۶۳-

(مهری امیری)

ترجمه جمله: «فکر کردن به تحصیل دوستانم در ارینا-شمپین در ایالت ایلینویز و این که آن‌ها آن‌جا در زندگی روزمره‌شان چه کار می‌کنند، برای من واقعاً شگفت‌انگیز است.»

(۱) ساده (۲) مناسب

(۳) معمول، مشترک (۴) شگفت‌انگیز (واژگان)

۶۴-

(میرسین زاهدی)

ترجمه جمله: «او زندگی کودکی‌اش را بدون حمایت یک پدر حامی گذرانده بود و تصمیم گرفت خودش و زندگی‌اش را وقف کمک به فرزندان تک‌والد کند.»

(۱) وقف کردن (۲) بخشیدن

(۳) نابود کردن (۴) فراموش کردن (واژگان)

۶۵-

(بیوار مؤمنی)

ترجمه جمله: «مردی با قد بلند، (با ظاهری) متمایز، و با لباس قرمز تیره ظاهر شد و با عجله به طرف اتاق رئیس رفت، جایی که او زد زیر گریه تا درآمد پرداخت نشده‌اش را درخواست کند.»

(۱) خیالی، تخیلی (۲) دانا

(۳) برجسته، متمایز (۴) مرتبط با خوشنویسی (واژگان)

-۶۶

(بوار مؤمنی)

ترجمه جمله: «اثر آخر نرودا نشان می‌دهد که وی از منابع گوناگون از قبیل طبیعت، رویاها و حوادث اجتماعی الهام گرفته بود.»

(۲) الهام

(۱) اطلاعات

(واژگان)

(۴) اعتیاد

(۳) پیش‌بینی

-۶۷

(میرفیسین زاهری)

ترجمه جمله: «ترسان اما لبخندزنان، توسط آتش‌نشانان نجات یافت و خودش را در آغوش والدینش که عاشقانه بغلش کرده بودند، یافت.»

(۲) به‌ندرت

(۱) عاشقانه

(واژگان)

(۴) ماهرانه

(۳) به‌طور صحیح

-۶۸

(امیرفیسین مراد)

فعل "mention" (ذکر کردن) متعدی است، اما مفعول پس از آن نیامده است و به‌صورت نهاد پیش از آن به‌کار رفته، پس ساختار جمله مجهول است. در ضمن به حال ساده مجهول نیاز داریم.

-۶۹

(امیرفیسین مراد)

(۱) به‌صورت نامشروط  
(۳) امیدوارانه  
(۴) باشگفتی  
(۲) به‌ندرت  
(کلوز تست)

-۷۰

(امیرفیسین مراد)

(۱) مدیریت کردن  
(۳) به نظر رسیدن  
(۲) متغییر بودن  
(۴) اعطا کردن  
(کلوز تست)

-۷۱

(امیرفیسین مراد)

نکته: به ساختار "no matter + wh-" (فارغ از این که ...) دقت کنید. (کلوز تست)

-۷۲

(امیرفیسین مراد)

نکته: به هم‌آیی "make mistakes" دقت کنید. (کلوز تست)

-۷۳

(علی شکوهی)

ترجمه جمله: «مطابق متن، می‌توانیم دریابیم که چاقی به عنوان یکی از جدی‌ترین بیماری‌های قرن حاضر در نظر گرفته می‌شود.»

(درک مطلب)

-۷۴

(علی شکوهی)

ترجمه جمله: «نویسنده این مقاله معتقد است که چاقی یک معضل جهانی عامل مرگ و میر است، اما قابل پیشگیری است.»

(درک مطلب)

-۷۵

(علی شکوهی)

ترجمه جمله: «در متن، تمام مشکلات زیر به عنوان مواردی که با چاقی مرتبط هستند، ذکر شده‌اند به غیر از مشکل در خواب.»

(درک مطلب)

-۷۶

(علی شکوهی)

ترجمه جمله: «بهترین عنوان برای این متن می‌تواند «چاقی: دلایل، نشانه‌ها و درمان» باشد.»

(درک مطلب)

-۷۷

(رضا کیاسالار)

ترجمه جمله: «کدام‌یک از موارد زیر طبق متن صحیح نیست؟»  
«روپایی‌ها تقریباً به اندازه آمریکایی‌ها سب‌زمینی می‌خورند.»

(درک مطلب)

-۷۸

(رضا کیاسالار)

ترجمه جمله: «طبق متن، سیموس برک یکی از افرادی بود که چپیس سب‌زمینی ادویه‌زده را اختراع کرد.»

(درک مطلب)

-۷۹

(رضا کیاسالار)

ترجمه جمله: «کلمه "their" که در خط آخر زیر آن خط کشیده شده به ایرلند و بریتانیا اشاره دارد.»

(درک مطلب)

-۸۰

(رضا کیاسالار)

ترجمه جمله: «متن اطلاعات کافی را برای پاسخ‌گویی به کدام‌یک از سؤالات زیر فراهم می‌کند؟»

«اولین چپیس سب‌زمینی توسط چه کسی و چه زمانی ساخته شد؟»

(درک مطلب)





# پاسخ نامه اختصاصی

بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین بلاک ۹۲۳ بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلمچی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

ریاضی و آمار (۳)

-۸۱

(مهسا عفتی)

$$۱۱ = ۴ + ۱ + ۶ = ۲ \times ۲ + ۱ + ۲ \times ۳ = \text{مشهد} \rightarrow \text{تهران (مسیر رفت)}$$

$$۱۱ = ۲ \times ۲ + ۱ + ۳ \times ۲ = \text{تهران} \rightarrow \text{مشهد (مسیر برگشت)}$$

$$۱۲۱ = ۱۱ \times ۱۱ = \text{مسیر رفت و برگشت}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۳)

-۸۲

(مهمرب بیرایی)

یکی از ده نفر می‌تواند نفر اول شود و جایزه نفر اول را بگیرد و از نه نفر بعدی یکی نفر دوم شود و جایزه نفر دوم را بگیرد و از بین ۸ نفر بعدی یکی نفر سوم شود و جایزه نفر سوم را بگیرد. بنابراین حالت‌های ممکن:

$$۱۰ \times ۹ \times ۸ = ۷۲۰$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۳)

-۸۳

(فاطمه فهیمیان)

۲ کتاب اقتصاد را در یک جعبه و ۳ کتاب ریاضی هم در یک جعبه قرار می‌دهیم:

$$\boxed{۲ \text{ کتاب اقتصاد}} \quad \boxed{۳ \text{ کتاب ریاضی}} \quad \text{کتاب منطق}$$

تعداد جایگشت‌های این دو جعبه با ۲ کتاب منطق برابر ۴! است و تعداد جایگشت‌های ۲ کتاب اقتصاد داخل جعبه برابر ۲! و تعداد جایگشت‌های ۳ کتاب ریاضی داخل جعبه برابر ۳! است. بنابراین:

$$۲! \times ۳! \times ۴! = ۲ \times ۶ \times ۲۴ = ۲۸۸$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

-۸۴

(مهسا عفتی)

$$۳ \rightarrow (o, e, a) = \text{تعداد حروف صدا دار}$$

$$۳ \rightarrow (r, d, l) = \text{تعداد حروف بی صدا}$$

$$۳۶ = ۱ \times ۱ \times ۱ \times ۲ \times ۲ \times ۳ \times ۳ = \text{تعداد جایگشت‌های ۶ حرفی که با حرف صدا دار آغاز می‌شوند.}$$

$$۳۶ = ۱ \times ۱ \times ۱ \times ۲ \times ۲ \times ۳ \times ۳ = \text{تعداد جایگشت‌های ۶ حرفی که با حرف بی صدا آغاز می‌شوند.}$$

$$\Rightarrow ۳۶ + ۳۶ = ۷۲$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۵ تا ۸)

-۸۵

(مهمرب بیرایی)

تعداد ارقام فرد ۵ تا و تعداد ارقام زوج نیز ۵ تا است. بنابراین، طبق اصل اساسی شمارش:

$$\boxed{۹} \boxed{۵} \boxed{۵} \boxed{۵} = ۹ \times ۵ \times ۵ \times ۵ = ۱۱۲۵$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲ تا ۸)

-۸۶

(علیرضا پورقلی)

چون صورت سؤال زیر مجموعه‌ای ۳ عضوی خواسته و یک عضو این مجموعه حتماً عدد ۴ است، بنابراین از ۳ عضو، ۱ عضو انتخاب شده است، بنابراین باید تعداد ترکیب‌های ۲ از ۴ را محاسبه کنیم.

$$\binom{۴}{۲} = \frac{۴!}{۲! \times ۲!} = ۶$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

-۸۷

(کوروش رادری)

ابتدا دو حرف دیگر از بین ۴ حرف باقی‌مانده انتخاب می‌کنیم، سپس تعداد جایگشت‌ها را به دست می‌آوریم:

$$\binom{۴}{۲} \times ۴! = \frac{۴!}{۲! \times ۲!} \times ۴ \times ۳ \times ۲ \times ۱ = ۶ \times ۲۴ = ۱۴۴$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۶ تا ۱۱)

-۸۸

(امیر زرنادوز)

ابتدا از این ۷ کتاب ۱ کتاب را انتخاب می‌کنیم و به دانش‌آموز خاص می‌دهیم:

$$\binom{۷}{۱} = ۷$$

از ۶ کتاب باقی‌مانده به هر نفر ۳ کتاب می‌رسد، بنابراین:

$$\binom{۶}{۳} \times \binom{۲}{۳} = \frac{۶ \times ۵ \times ۴ \times ۳!}{۳! \times ۳ \times ۲ \times ۱} \times \frac{۳!}{۳! \times ۱}$$

$$= ۲۰ \times ۱ = ۲۰$$

$$\Rightarrow ۲۰ \times ۷ = ۱۴۰$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

-۸۹

(فاطمه فهیمیان)

حداقل ۴ نفر از اعضای تیم، یعنی ۴ یا ۵ یا ۶ نفر دانش‌آموز یازدهم باشند. بنابراین:

الف) اگر ۴ نفر دانش‌آموز یازدهم باشند:

$$\binom{۷}{۴} \binom{۶}{۲} = \frac{۷!}{۴! \times ۳!} \times \frac{۶!}{۴! \times ۲!} = \frac{۷ \times ۶ \times ۵ \times ۴!}{۴! \times ۳ \times ۲ \times ۱} \times \frac{۶ \times ۵ \times ۴!}{۴! \times ۲!}$$

$$= ۳۵ \times ۱۵ = ۵۲۵$$

ب) اگر ۵ نفر دانش‌آموز یازدهم باشند:

$$\binom{۷}{۵} \binom{۶}{۱} = \frac{۷!}{۵! \times ۲!} \times ۶ = \frac{۷ \times ۶ \times ۵!}{۵! \times ۲ \times ۱} \times ۶ = ۲۱ \times ۶ = ۱۲۶$$

ج) اگر هر ۶ نفر دانش‌آموز یازدهم باشند:

$$\binom{۷}{۶} = \frac{۷!}{۶! \times ۱!} = ۷$$

$$\xrightarrow{\text{طبق اصل جمع}} ۵۲۵ + ۱۲۶ + ۷ = ۶۵۸$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۸ تا ۱۱)

-۹۰

(مهمرب بیرایی)

تعداد کل مهره‌ها  $۳ + ۵ + ۴ = ۱۲$

$$n(S) = \binom{۱۲}{۲} = \frac{۱۲!}{۱۰! \times ۲!} = \frac{۱۲ \times ۱۱ \times ۱۰!}{۱۰! \times ۲ \times ۱} = ۶۶$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

ریاضی و آمار (۱)

(موسا عفتی)

۹۵-

$$x^2 + 11x - 42 = 0$$

$$(x-3)(x+14) \Rightarrow \begin{cases} x-3=0 \Rightarrow x=3 \\ x+14=0 \Rightarrow x=-14 \end{cases}$$

یک ریشه مثبت و یک ریشه منفی دارد.

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۵ تا ۳۸)

(موسا عفتی)

۹۶-

$$x = 24 \Rightarrow \frac{24}{10+m} + \frac{10+m}{10-m} = \frac{24}{10-m}$$

$$\Rightarrow \frac{24+10+m}{10+m} = \frac{24}{10-m} \Rightarrow \frac{34+m}{10+m} = \frac{24}{10-m}$$

$$\Rightarrow (34+m)(10-m) = 24(10+m) \Rightarrow 100 - 48m - m^2 = 0$$

$$\Rightarrow m^2 + 48m - 100 = 0 \Rightarrow (m+50)(m-2) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} m+50=0 \Rightarrow m=-50 \\ m-2=0 \Rightarrow m=2 \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۲)

(موسا عفتی)

۹۷-

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»:

$$m = 1 \Rightarrow 4x^2 + 3 = 0 \Rightarrow 4x^2 = -3$$

گزینه «۲»:

$$m = -7 \Rightarrow -4x^2 - 8x - 5 = 0 \Rightarrow \Delta = 64 - 4(-4)(-5) = 64 - 80 < 0$$

معادله جواب ندارد.

$$m = -8 \Rightarrow -5x^2 - 9x - 6 = 0 \Rightarrow$$

گزینه «۳»:

$$\Delta = 81 - 4(-5)(-6) = 81 - 120 < 0$$

معادله جواب ندارد.

$$m = -6 \Rightarrow -3x^2 - 7x - 4 = 0$$

گزینه «۴»:

$$\Rightarrow \Delta = 49 - 4(-3)(-4) = 49 - 48 > 0$$

معادله دارای ۲ جواب است.

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۴۳ تا ۴۷)

(علی شهبابی)

۹۸-

$$\frac{x-2}{3x-3} + \frac{6(x-1)}{x-2} = 3 \Rightarrow \frac{(x-2)^2 + (3x-3)(6x-6)}{(3x-3)(x-2)} = 3$$

$$\Rightarrow \frac{x^2 - 4x + 4 + 18x^2 - 18x - 18x + 18}{3x^2 - 6x - 3x + 6} = 3$$

$$\Rightarrow 19x^2 - 40x + 22 = 9x^2 - 27x + 18 \Rightarrow 10x^2 - 13x + 4 = 0$$

$$\Delta = (-13)^2 - 4(10)(4) = 169 - 160 = 9$$

$$x = \frac{13 \pm \sqrt{9}}{2 \times 10} = \begin{cases} \frac{13+3}{20} = \frac{16}{20} = \frac{4}{5} \\ \frac{13-3}{20} = \frac{10}{20} = \frac{1}{2} \end{cases}$$

ریشه بزرگتر  $\frac{4}{5}$  است.

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۲)

(فریم مشتاق نظم)

۹۱-

سه عدد فرد متوالی را به صورت  $x$ ،  $x+2$  و  $x+4$  در نظر می‌گیریم.  
پس:

$$x + x + 2 + x + 4 = 585 \Rightarrow 3x + 6 = 585 \Rightarrow 3x = 579$$

$$x = 193 \Rightarrow \text{عدد بزرگتر} = 197$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۲۶ تا ۳۰)

(فاطمه فهیمیان)

۹۲-

یکی از ریشه‌های معادله برابر  $-1$  است:

$$m(-1)^2 - 3(-1) - (2m+1) = 0$$

$$\Rightarrow m + 3 - 2m - 1 = 0 \Rightarrow m = 2$$

$$\Rightarrow 2x^2 - 3x - 5 = 0$$

$$\Rightarrow \Delta = b^2 - 4ac = (-3)^2 - 4 \times 2 \times (-5) = 9 - (-40) = 49$$

$$x = \frac{-b \pm \sqrt{\Delta}}{2a} \Rightarrow \begin{cases} x_1 = \frac{3+7}{4} = \frac{10}{4} = \frac{5}{2} \\ x_2 = \frac{3-7}{4} = -1 \end{cases}$$

$$\Rightarrow \frac{5}{2} - 2 = \frac{1}{2}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۴۳ تا ۴۷)

(امیر زرنوز)

۹۳-

$$2x(x-1) = 6 \xrightarrow{\div 2} x(x-1) = 3 \Rightarrow x^2 - x = 3$$

$$\frac{b^2}{4} = \frac{1}{4} \rightarrow x^2 - x + \frac{1}{4} = 3 + \frac{1}{4} \Rightarrow (x - \frac{1}{2})^2 = \frac{13}{4} \Rightarrow \begin{cases} h = \frac{1}{2} \\ k = \frac{13}{4} \end{cases}$$

$$\Rightarrow \frac{k}{h} = \frac{\frac{13}{4}}{\frac{1}{2}} = \frac{13 \times 2}{4} = \frac{13}{2} = 6.5$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۹ تا ۴۳)

(فاطمه فهیمیان)

۹۴-

$$\left(\frac{2x}{3} - 1\right)^2 \left(\left(\frac{2x}{3} - 1\right)^2 - 36\right) = 0$$

$$\begin{cases} \left(\frac{2x}{3} - 1\right)^2 = 0 \Rightarrow \frac{2x}{3} = 1 \Rightarrow x = \frac{3}{2} \\ \left(\frac{2x}{3} - 1\right)^2 - 36 = 0 \Rightarrow \frac{2x}{3} - 1 = \pm 6 \Rightarrow \begin{cases} x = \frac{21}{2} \\ x = -\frac{15}{2} \end{cases} \end{cases}$$

$$\text{مجموع ریشه‌ها} = \frac{3}{2} + \frac{21}{2} - \frac{15}{2} = \frac{9}{2}$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۳۵ تا ۳۸)

(کوروش راوری)

-۱۰۳

تعداد لیوان‌های وارونه:  $s = 1$

وضعیت مطلوب  $s = 0$

حرکت مجاز: در هر بار دقیقاً دو لیوان تغییر وضعیت می‌دهند.

چون  $s$  همیشه به اندازه عددی زوج تغییر می‌یابد هرگز از ۱ به صفر نمی‌تواند کاهش یابد، پس امکان‌پذیر نیست.

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استرلال ریاضی، صفحه ۱۵)

(فاطمه فهمیدان)

-۱۰۴

در روش اثبات  $p \Rightarrow q$  به روش عکس نقیض، درستی  $p \Rightarrow \sim q$  را اثبات می‌کنیم. پس ثابت می‌کنیم اگر  $n$  بر ۳ بخش‌پذیر نباشد، آن‌گاه  $n^2$  نیز بر ۳ بخش‌پذیر نیست.

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استرلال ریاضی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

(موسا عفتی)

-۱۰۵

برای اثبات حکم  $p \Rightarrow q$  می‌توان عکس نقیض آن یعنی  $\sim p \Rightarrow \sim q$  را اثبات کرد. بنابراین ثابت می‌کنیم «اگر  $\sqrt{3} + 1$  یک عدد گویا باشد، آنگاه  $\sqrt{3}$  نیز عددی گویا است.»

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استرلال ریاضی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

(فاطمه فهمیدان)

-۱۰۶

طرفین معادله را نمی‌توان بر  $(x+3)$  تقسیم کرد، زیرا با این کار ریشه  $x = -3$  حذف می‌شود، پس اشتباه در مرحله ۲ رخ داده است.

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استرلال ریاضی، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۷)

(مهمر بگیری)

-۱۰۷

$$\begin{cases} (3, 7) \\ (3, a+1) \end{cases} \Rightarrow a+1=7 \Rightarrow a=6$$

$$\begin{cases} (6, 7) \\ (6, a+b) \end{cases} \Rightarrow a+b=7 \xrightarrow{a=6} b=1$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

(ربیع مشتاق نظم)

-۱۰۸

چون  $f(-1) = -3$  و  $f(2) = 3$  و  $f(3) = 5$  و  $B = \{a^2 + 1, 5, -b^2\}$

بنابراین:  $-b^2 = -3$  و  $a^2 + 1 = 3$  پس:  $b^2 = 3$  و  $a^2 = 2$  در

$$a^2 + b^2 = 2 + 3 = 5$$

نتیجه:

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

-۹۹

(ربیع مشتاق نظم)

تعداد اولیه افراد را  $n$  در نظر می‌گیریم. بنابراین ابتدا به هر نفر  $\frac{1}{n}$  پیتزا رسید و در مرحله بعد به هر نفر  $\frac{1}{n+2}$  پیتزا رسید. پس:

$$\frac{1}{n} - \frac{1}{n+2} = \frac{1}{12} \Rightarrow \frac{n+2-n}{n(n+2)} = \frac{1}{12}$$

$$\Rightarrow \frac{2}{n(n+2)} = \frac{1}{12} \Rightarrow n^2 + 2n = 24 \Rightarrow n^2 + 2n - 24 = 0$$

$$\Rightarrow (n+6)(n-4) = 0 \Rightarrow \begin{cases} n+6=0 \Rightarrow n=-6 \\ n-4=0 \Rightarrow n=4 \end{cases}$$

$n = 4$  جواب قابل قبول است.

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۴۸ تا ۵۲)

(مهمر بگیری)

-۱۰۰

$$p(x) = 0 \Rightarrow -0.004x^2 + 0.48x - 8 = 0$$

$$\xrightarrow{\div 0.004} -x^2 + 120x - 2000 = 0$$

$$\Rightarrow x^2 - 120x + 2000 = 0$$

$$\Rightarrow (x-100)(x-20) = 0$$

$$\begin{cases} x = 100 \\ x = 20 \end{cases}$$

با توجه به حداکثر تولید روزانه  $x = 20$  قابل قبول است.

(ریاضی و آمار (۱)، معادله درجه دوم، صفحه‌های ۴۳ تا ۴۶)

### ریاضی و آمار (۲)

(موسا عفتی)

-۱۰۱

اگر عدد موردنظر را  $x$  فرض کنیم، بنابراین خمس آن برابر است با  $\frac{x}{5}$  و

جذر خمس آن عدد می‌شود  $\sqrt{\frac{x}{5}}$ ، هم‌چنین مکعب عدد برابر  $x^3$  است.

$$2\sqrt{\frac{x}{5}} \geq \frac{1}{2}x^3$$

در نتیجه:

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استرلال ریاضی، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

(مهمر بگیری)

-۱۰۲

تنها در گزینه «۲» استدلال قیاس استثنایی به درستی انجام گرفته است.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: شاید علی در آزمون کتبی هم شرکت نکرده باشد.

گزینه «۳»: شاید سعید از من متنفر نباشد و پشت سر من حرف بدی زده باشد.

گزینه «۴»:  $a$  می‌تواند عددی منفی هم باشد و توان دوم آن مثبت باشد.

(ریاضی و آمار (۲)، آشنایی با منطق و استرلال ریاضی، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)



۱۰۹-

(امیر زرنروز)

$$f(x) = 2x^2 - 1$$

$$f(-2) = 2 \times (-2)^2 - 1 = 7$$

$$f(-1) = 2 \times (-1)^2 - 1 = 1$$

$$f(0) = 2 \times (0)^2 - 1 = -1$$

$$f(1) = 2 \times (1)^2 - 1 = 1$$

$$f\left(\frac{1}{2}\right) = 2 \times \left(\frac{1}{2}\right)^2 - 1 = -\frac{1}{2}$$

$$\Rightarrow B = \left\{-1, -\frac{1}{2}, 1, 7\right\}$$

برد شامل دو عضو حسابی  $\{1, 7\}$  است.

(ریاضی و آمار، (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۱۱۰-

(ممد پیریایی)

$$\begin{cases} (3, 5) \\ (3, a^2 + 1) \end{cases} \Rightarrow a^2 + 1 = 5 \Rightarrow a = \pm 2$$

$a = 2 \Rightarrow f = \{(3, 5), (2, 7), (2, 8)\}$  تابع نیست.

$a = -2 \Rightarrow f = \{(3, 5), (2, 7), (-2, 8)\}$  تابع است.

$$\Rightarrow g(a) = g(-2) = 3 \times (-2) + 9 = 3$$

(ریاضی و آمار، (۲)، تابع، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

**اقتصاد**

۱۱۱-

(فارج از کشور، ۹۳، با تغییر)

الف) قیمت یک کالا و مقدار خرید آن به وسیله «مصرف کنندگان» با هم «رابطه معکوس» دارند. با افزایش قیمت، مقدار تقاضا کاهش یافته و در مقابل، با کاهش قیمت، مقدار تقاضا افزایش می‌یابد.

- در کالاهای لوکس، شیب منحنی تقاضا کم است، یعنی عکس‌العمل مصرف‌کننده در برابر قیمت زیاد است که اصطلاحاً می‌گوییم کشش قیمتی تقاضا زیاد است.

- اگر تولیدکننده‌ای به دلیل مدیریت ضعیف یا فرسوده بودن تجهیزات نتواند با افزایش قیمت، تولید خود را افزایش دهد، منحنی عرضه‌اش با شیب بیشتر است و اصطلاحاً می‌گوییم کشش قیمتی عرضه پایین است.

ب) اگر «تولیدکنندگان» بیش از مقدار تقاضای مصرف‌کنندگان کالا تولید کنند و مصرف‌کنندگان بخواهند به مقداری بیش از مقدار تولید «تولیدکنندگان» کالا خریداری کنند، دچار مشکل خواهند شد. پس «رفتار اقتصادی» این دو گروه باید هماهنگ باشد و عاملی که این هماهنگی را ایجاد و عرضه و تقاضا را مساوی هم می‌کند، «قیمت کالا» است.

ج) هرگاه در بازار، قیمت در سطح قیمت تعادلی نباشد، عواملی آن را به سمت قیمت تعادلی می‌کشاند.

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۵ و ۳۷)

۱۱۲-

(موسا عفتی)

در سطح قیمت بالاتر از نقطه تعادلی به دلیل گران بودن کالا، تولیدکنندگان به تولید بیشتر می‌پردازند در حالی که مصرف‌کنندگان به خرید و مصرف کالا تمایل نشان نمی‌دهند.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: منحنی **D** مقادیر تقاضا و منحنی **S** نشان‌دهنده مقادیر عرضه می‌باشد.

گزینه «۲»: در بازار هنگامی کمبود عرضه اتفاق می‌افتد که قیمت از سطح قیمت تعادلی پایین‌تر باشد، در نتیجه گروهی از مصرف‌کنندگان موفق به خرید کالای مورد نیاز خود نخواهند شد.

گزینه «۴»: صعودی بودن منحنی عرضه به این معناست که با افزایش قیمت، مقدار عرضه افزایش خواهد یافت و در مقابل با کاهش قیمت، مقدار عرضه نیز کاهش می‌یابد.

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۲، ۳۴، ۳۶ و ۳۷)

۱۱۳-

(موسیما آزرکردار)

الف) در قیمت‌های بالاتر از قیمت تعادلی بازار با وضعیت مازاد عرضه (کمبود تقاضا) روبه‌رو است.

ب) در حالت مازاد عرضه، قیمت کالا کاهش می‌یابد. این کاهش قیمت تا سطحی ادامه می‌یابد که در آن، فاصله عرضه و تقاضا از بین برود و در بازار تعادل برقرار شود.

ج) در وضعیت کمبود عرضه (مازاد تقاضا) با افزایش قیمت‌ها تولیدکنندگان بر میزان تولیدات خود می‌افزایند و مصرف‌کنندگان از مصرف خود می‌کاهند.

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۶ و ۳۷)

۱۱۴-

(موسیما آزرکردار)

بازار کالایی چون رب گوجه فرنگی: رقابتی / بازار خودرو در کشور ما: انحصار در فروش / شرکت پخش و پالایش فراورده‌های نفتی: از یک سو تنها خریدار و از یک سو تنها فروشنده (انحصار در خرید و فروش) / شرکت توانیر در کشور ما: انحصار در فروش / فروشندگان آثار هنری: مزایده / خریدهای دولتی: مناقصه

(اقتصاد، بازار، صفحه ۳۸)

۱۱۵-

(فاطمه فویمیان)

الف) در نتیجه افزایش قیمت مقدار تقاضا کاهش می‌یابد؛ بنابراین اعدادی که می‌توان در نقطه **A** قرار داد بیشتر از ۲۵ است. (رد گزینه ۱)

- همینطور در نتیجه کاهش قیمت، مقدار عرضه کاهش می‌یابد؛ بنابراین اعدادی که می‌توان در نقطه **B** قرار داد کمتر از ۴۰ است. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

ب) در وضعیت مازاد تقاضا (کمبود عرضه) قیمت تا سطح قیمت تعادلی افزایش می‌یابد تا مقدار عرضه و تقاضا برابر شود. (رد گزینه ۳)

ج) در وضعیت مازاد عرضه قیمت کالا بیشتر از سطح قیمت تعادلی می‌باشد. (رد گزینه ۴)

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۴ تا ۳۷)



۱۱۶-

(زهره ممبری)

الف) مقادیر X نشان‌دهنده مقادیر عرضه است، زیرا رابطه این مقادیر با قیمت مستقیم است. در حالی که مقادیر Y نشان‌دهنده مقادیر تقاضا است، زیرا رابطه این مقادیر با قیمت معکوس است.

ب) قیمت تعادلی ۱۵۰ ریال است؛ زیرا در این سطح قیمت، مقادیر عرضه و تقاضا (۳۰۰ کیلو) با هم برابر می‌شوند. در سطوح قیمت پایین‌تر از قیمت تعادلی کمبود عرضه خواهیم داشت. در نتیجه، گروهی از مصرف‌کنندگان موفق به خرید کالای مورد نیاز خود نخواهند شد. این گروه برای خرید کالا حاضرند مبلغ بالاتری بپردازند و این امر سبب افزایش قیمت کالا می‌شود. این افزایش قیمت تا سطحی ادامه می‌یابد که در آن، فاصله بین عرضه و تقاضا از بین برود و تعادل در بازار برقرار شود.

ج) قیمت تعادلی ۱۵۰ ریال است؛ زیرا در این سطح قیمت، مقادیر عرضه و تقاضا (۳۰۰ کیلو) با هم برابر می‌شوند.

د) در سطوح قیمت بالاتر از قیمت تعادلی مازاد عرضه خواهیم داشت. در قیمت ۲۵۰ ریال مازاد عرضه‌ای معادل ۴۰۰ کیلو (۴۰۰ - ۱۰۰ = ۵۰۰) خواهیم داشت.

ه) در قیمت ۲۰۰ ریال، حداکثر مقدار عرضه ۴۰۰ کیلو است، ولی حداکثر ۲۰۰ کیلو از طرف مصرف‌کنندگان تقاضا شده است، در نتیجه خواهیم داشت:

حداکثر درآمد عرضه‌کنندگان در قیمت ۲۰۰ ریال  
ریال  $40,000 = 200 \times 200 =$

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۷)

۱۱۷-

(نسرین پعفری)

الف) در قیمت ۸۰۰ تومان، تقاضای میوه صفر است و به میزان ۲۰ تن مازاد عرضه (کمبود تقاضا) وجود دارد.

ب) در قیمت ۳۰۰ تومان، میزان تقاضا ۲۰ تن است در حالی که عرضه آن تنها ۶ تن است و در حالت حداکثر، مقدار فروش رفته برابر با میزان عرضه است.

تومان  $1800 = 300 \times 6$

پ) هنگامی که مازاد تقاضا (کمبود عرضه) وجود دارد، قیمت افزایش می‌یابد.

ت) هنگامی که عرضه میوه ۱۸ تن باشد، در حالی که مقدار تعادلی ۱۲ تن است؛ یعنی مازاد عرضه وجود دارد، پس قیمت کاهش خواهد یافت.

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۷)

۱۱۸-

(فاطمه فویمیان)

نمودار عرضه یک نمودار صعودی و نمودار تقاضا نزولی می‌باشد؛ بنابراین نمودار صورت سؤال مربوط به مقادیر تقاضا و جدول صورت سؤال مربوط به مقادیر عرضه است.

الف) در سطح قیمت ۴۰۰ ریال مقدار تقاضا برابر با ۴۵۰ کیلو و مقدار عرضه برابر با ۱۵۰ کیلو است؛ بنابراین در این سطح قیمت، بازار در وضعیت کمبود عرضه (مازاد تقاضا) قرار دارد:

کیلو  $300 = 450 - 150 =$  میزان کمبود عرضه (مازاد تقاضا) در سطح قیمت ۴۰۰ ریال  
ب) در سطح قیمت ۱۰۰۰ ریال مقدار تقاضا صفر و مقدار عرضه ۶۰۰ کیلو می‌باشد. بنابراین در این سطح قیمت، بازار در وضعیت مازاد عرضه (کمبود تقاضا) قرار دارد و با کاهش قیمت تا سطح قیمت تعادلی بازار به حالت تعادل می‌رسد.

ج) در سطح قیمت ۸۰۰ ریال مقدار عرضه ۴۵۰ کیلو است اما میزان تقاضا ۱۵۰ کیلو است بنابراین:

قیمت  $\times$  مقلد تقاضا در سطح قیمت ۸۰۰ ریال = حداکثر درآمد تولیدکنندگان در سطح قیمت ۸۰۰ ریال  
ریال  $120,000 = 150 \times 800 =$

د) هرگاه در بازار قیمت تعادلی وجود داشته باشد، مقدار عرضه و تقاضای کالا با یکدیگر برابر می‌گردد و تحت این شرایط مازاد عرضه و مازاد تقاضا وجود نخواهد داشت.

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۷)

۱۱۹-

(فاطمه فویمیان)

الف) ردیف ۴ که در آن مقدار عرضه و تقاضا با هم برابر هستند (۵۵۰ کیلو) بیانگر وضعیت «تعادل» در بازار است.

ب) مقدار عرضه - مقدار تقاضا = (مازاد تقاضا) کمبود عرضه  
 $100 =$  مقدار تقاضا  
کیلو  $1000 =$  مقدار تقاضا  $\Rightarrow$

مقدار تقاضا - مقدار عرضه = (مازاد عرضه) کمبود تقاضا  
 $250 =$  مقدار عرضه  
کیلو  $850 =$  مقدار عرضه  $\Rightarrow$

ج)

کیلو  $300 = 850 - 550 =$  مقدار تعادلی - مقدار تقاضا در ردیف ۲

کیلو  $450 = 1000 - 550 =$  مقدار تعادلی - مقدار عرضه در ردیف ۷

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۲ تا ۳۷)

۱۲۰-

(موسا عفتی)

الف) صعودی بودن منحنی عرضه به این معناست که با افزایش قیمت، مقدار عرضه افزایش خواهد یافت و در مقابل با کاهش قیمت عرضه آن نیز کاهش می‌یابد.

ب) با افزایش قیمت یک کالا، مقدار تقاضای آن کاهش می‌یابد.

ج) شیب منحنی تقاضا نشان‌دهنده میزان حساسیت تقاضای فرد به قیمت است. اگر شیب منحنی تقاضا زیاد باشد، یعنی عکس‌العمل مصرف‌کنندگان در برابر قیمت کم است که اصطلاحاً می‌گوییم کشش قیمتی تقاضا کم است.

(اقتصاد، بازار، صفحه‌های ۳۳ و ۳۴)



علوم و فنون ادبی (۳)

۱۲۱-

(فرهاد علی نژاد)  
با مطرح شدن مباحثی در مورد علل شکست و عقب‌افتادگی ایران در جامعه، شعر دوره بازگشت از اواسط دوره قاجار با انتقاد روبه‌رو شد.  
(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

۱۲۲-

(مهمیر مهرنی)  
محمدتقی بهار، شاعر بیت‌گزینه «۳»، در سروده‌های خود از زبان حماسی و سبک خراسانی بهره می‌برد. ابیات دیگر گزینه‌ها به‌ترتیب از ادیب‌الممالک، ایرج میرزا و فرخی یزدی هستند.  
(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۷)

۱۲۳-

(فرهاد علی نژاد)  
روزنامه نسیم شمال را سید اشرف‌الدین در رشت منتشر می‌کرد؛ اما مردم تهران، بیشتر، آن را می‌خواندند.  
- مجله‌های «دانشکده» و «نوبهار» با مدیریت ملک‌الشعرا بهار به عرصه ظهور رسیدند.  
(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۵ و ۱۸)

۱۲۴-

(مهمیر مهرنی)  
«تاریخ بیداری ایرانیان» نام کتاب ناظم‌الاسلام کرمانی در مورد تاریخ مشروطه است.  
**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: شمس‌الدین و قمر ← رمان تاریخی

گزینه «۲»: داستان باستان ← میرزا حسن خان بدیع

گزینه «۳»: امثال و حکم ← علامه دهخدا

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۰)

۱۲۵-

(فرهاد علی نژاد)  
در متن صورت سؤال، برخی عبارات موزون (چه در ساحل چه در دریا - چه در خانه چه در قصر) و هماهنگی موسیقایی برخی کلمات که در بعضی قسمت‌ها آرایه سجع (صحرا و دریا) را شکل می‌دهد، نشان از سبک قائم‌مقام فراهانی دارد.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: عبارت مورد نظر کاملاً جدی است و بیان طنزآمیز ندارد.

گزینه «۳»: نثر عبارت مذکور، ساده و همه‌فهم است. همچنین سبک قائم‌مقام، به دور از تکلف و تصنع است.

گزینه «۴»: واژگان عربی در متن دیده می‌شوند اما این امر نمی‌تواند متأثر از سبک دهخدا باشد؛ زیرا مشخصه سبکی او نیست.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۹ و ۲۰)

۱۲۶-

(عارف‌سارات طباطبایی نژاد)  
وزن مصراع گزینه «۳»، مستفعل مستفعل مستفعل فع است.  
(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۵)

۱۲۷-

(مهمیر ابراهیم مازنی)  
گزینه «۱» بر وزن «فعولن فعولن فعولن» سروده شده است و دارای ۸ پایه آوایی و ۲۴ هجا است.

نَ هان در	جَ هان چیپ	س ت آ زا	دِ مَر دُم
پِ بی نی	نَ هان را	نَ بی نی	عَ یان را
- - U	- - U	- - U	- - U

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: بر وزن (فاعلاتن مفاعیلن فعلن) و دارای ۲۲ هجا است.

گزینه «۳»: بر وزن (مفتعلن مفتعلن فاعلن) و دارای ۲۲ هجا است.

گزینه «۴»: بر وزن (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) و دارای ۲۲ هجا است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

۱۲۸-

(موناژ شریفی)  
بیت گزینه «۳» بر وزن «مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع» سروده شده‌است.  
**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: بیت بر وزن «مفتعلن فع مفتعلن فع» سروده شده‌است.

گزینه «۲»: بیت بر وزن «مفتعلن مفتعلن فاعلن» سروده شده‌است.

گزینه «۴»: بیت بر وزن «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» سروده شده‌است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۳)

۱۲۹-

(عارف‌سارات طباطبایی نژاد)  
وزن بیت گزینه «۳» از پایه‌های آوایی همسان دولختی است: مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن  
**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: مفعول فاعلاتن مفاعیلن فاعلن

گزینه «۲»: مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعولن

گزینه «۴»: مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۵)

۱۳۰-

(سیرپهمال طباطبایی نژاد)  
وزن سه بیت «الف، ه و» مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن است.  
بیت (ب): فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن  
بیت (ج): مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن (توجه: در آخر یک هجا اضافه دارد).  
بیت (د): مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن  
(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۱۳۶- (کتاب آبی)

وزن صحیح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: مفاعِلن فاعِلاتن مفاعِلن فاعِلاتن

گزینه «۲»: مفعِلن فاعِلاتن مفعِلن فاعِلن

گزینه «۳»: مستفعِل فاعِلاتن مستفعِل (مفعول مفاعِلن مفاعِلن)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۵)

۱۳۷- (کنگور سراسری ۹۶، با تغییر)

بیت صورت سؤال بر وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» یا «مستفعِلن مفاعل مستفعِلن فعل» سروده شده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۱۳۸- (فارج از کشور ۹۱، با تغییر)

کس	نی	ست	ک	أف	تا	د	ی
-	-	U	U	-	-	U	U
در	ره	گ	ذ	ر	کی	ست	ک
مستفعِل				مستفعِل			

آن	زل	ف	ذ	تا	نیست
-	-	U	U	-	-
دا	می	ز	ب	لا	نیست
مستفعِل			مستف		

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه ۲۵)

۱۳۹- (کنگور سراسری ۹۱)

می	وَ	زد	عَز	چَ	مَن	نَ	سی
-	U	-	-	U	-	U	-
هال	بِ	نو	شی	د	دم	بِ	دم
فاعِلاتن (فاعِلاتن)				مفاعِلن			

م	بِ	هشت
U	U	-
مِ	ی	ناب
فَعِلن		

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

۱۴۰- (کتاب آبی)

تقطیع هجایی درست گزینه «۳»:

ما	ک	فِ	خِ	مَ	ة	مُ	تَق	لِ	یا
-	U	U	-	U	U	-	U	-	-

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۵)

۱۳۱-

(کتاب آبی)

در ایجاد نهضت بازگشت ادبی عواملی چون توجه به ادبیات در دربار قاجاریه و رونق شاعری و مدح، ضعیف شدن جامعه در اثر شکست ایران از روسیه و غارت کتابخانه اصفهان توسط افغان‌ها که باعث شد تعدادی از کتاب‌های کتابخانه به دست مردم بیفتند و ارتباط مجدد اهل ذوق با ادب کهن برقرار شود، تأثیرگذار بودند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۱۳)

۱۳۲-

(کتاب آبی)

در عصر بیداری به دلیل تمرکز بیشتر فعالیت‌های سیاسی و مطبوعاتی در تهران، شعر و ادب هم بیشتر به این شهر منحصر می‌شد؛ به طوری که حتی روزنامه «نسیم شمال» را که سید اشرف‌الدین در رشت منتشر می‌کرد، مردم تهران بیشتر می‌خواندند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۱۵)

۱۳۳-

(کتاب آبی)

عارف، شاعر وطنی، با ترانه‌های میهنی خود در برانگیختن مردم و آزادی خواهی نقش مؤثری داشت. او مضامین وطن دوستی و ستیز با نادانی را زیبا و پرشور می‌خواند. بیت مذکور از تصنیفی سروده او انتخاب شده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۱۶)

۱۳۴-

(کتاب آبی)

صاحب کتاب منشآت (قائم مقام فراهانی) مسائل عصر را با زبان و اصطلاحات رایج و آمیخته به شعر و ضرب‌المثل‌های لطیف، به سبک گلستان سعدی نوشت.

(علوم و فنون ادبی (۳)، تاریخ ادبیات، صفحه ۱۹)

۱۳۵-

(کتاب آبی)

استفاده از اصطلاحات عامیانه و زبان طنزآمیز از ویژگی‌های اصلی سبک دهخدا در چرند و پرند می‌باشد. در عبارت گزینه «۳»، اصطلاح «خانه خراب شده»، اصطلاحی مربوط به زبان محاوره است و کل عبارت به زبان طنز در پی بیان بی‌اساس بودن حرف‌های شخصیت مورد نظر است.

#### تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: موزون بودن عبارت در بعضی موارد، نشان از سبک قائم مقام دارد.

گزینه «۲»: وجود سجع در واژه‌های «نوکر، چاکر و عاطل»، «مستهلک و مستدرک» و «سازی و باشی» از ویژگی‌های سبک قائم مقام است که در نوشته‌های دهخدا کمتر به چشم می‌خورد.

گزینه «۴»: عبارت این گزینه از لحاظ زبانی و ادبی مربوط به دوره بیداری نیست و از آن فراتر می‌رود. از جمله ویژگی‌های این عبارت به هم ریختگی ساختار نحوی جملات است.

(علوم و فنون ادبی (۳) سبک‌شناسی، صفحه ۲۰)





## علوم و فنون ادبی (۱)

۱۴۱-

(عارف سادات طباطبایی نژاد)

در بیت سوم سه واژه «رهرو»، «سفر کرده» و «عذر خواه» ترکیب سازی شده اند.

**تشریح سایر گزینه ها:**

گزینه «۱»: جهانستان

گزینه «۲»: پر لعل

گزینه «۴»: دلدار (شکل مرتب شده جمله بعد بدین صورت است: دلم به تو نگران است.)

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک شناسی، صفحه ۲۴)

۱۴۲-

(اعظم نوری نیا)

در ابیات صورت سؤال، آرایه جناس همسان وجود ندارد.

در بیت اول، واج آرایه در صامت «ش» وجود دارد. «چشم بر هم زدن» کنایه از «لحظه کوتاه» است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک شناسی، صفحه های ۲۴ و ۲۵)

۱۴۳-

(اعظم نوری نیا)

بیت گزینه «۳» در نکوهش بدصایبی و گوش خراشی صوت است و در رده ادبیات عرفانی نمی گنجد. (بیشتر جنبه طنز بر آن حاکم است) بی توجهی به امور دنیوی و شوق وصل به دریای معنویات در بیت گزینه «۱»، مفهوم پیر و مرید در بیت گزینه «۲» و عشق که مایه معجزات و کرامات است در بیت گزینه «۴»، مفاهیم عرفانی در ابیات سایر گزینه ها هستند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک شناسی، صفحه ۲۵)

۱۴۴-

(فرهار علی نژاد)

«دل» در این حکایت، نماد بعد معنوی و ارزشمند وجود انسان و «گوش، زبان و دندان» نماد ساحت مادی و کم ارزش وجود او هستند.

**تشریح گزینه های دیگر:**

گزینه «۱»: حيله گری روباه در این داستان، چندان مورد تأکید قرار نگرفته است و شاعر بیشتر در پی توجه به وجود بعد روحانی در انسان است تا پلیدی های او.

گزینه «۲»: حکایت به هیچ نکته اجتماعی اشاره ندارد.

گزینه «۳»: سادگی زبان و بیان حکایت، به تأثیر گذاری آن بر دامنه بیش تری از مخاطبان کمک می کند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک شناسی، صفحه های ۲۳ تا ۲۵)

۱۴۵-

(اعظم نوری نیا)

هر دو «را» در این گزینه به معنی «برای» است: مرا: برای من / دشمنانم را: برای دشمنانم.

«را» در گزینه های دیگر در معنای «به» است.

**تشریح سایر گزینه ها:**

گزینه «۲»: توانگر گفت درویش را: توانگر به درویش گفت.

گزینه «۳»: تو را گفته بودیم: به تو گفته بودیم.

گزینه «۴»: جز سقیم را: جز به سقیم.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک شناسی، صفحه های ۲۹ و ۳۰)

۱۴۶-

(اعظم نوری نیا)

در حکایت صورت سؤال از آرایه «تناقض» استفاده نشده است.

**تشریح سایر گزینه ها:**

گزینه «۱»: بین کلمات «بیازارد» و «آرد» و نیز کلمات «گمارد» و «برآرد» سجع وجود دارد.

گزینه «۲»: بین واژگان «خراب و آباد» و «رعیت و سلطان» تضاد وجود دارد.

گزینه «۳»: «دمار برآوردن» کنایه از نابود کردن و «دل به دست آوردن» کنایه از کسب رضایت است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک شناسی، صفحه ۳۰)

۱۴۷-

(فرهار علی نژاد)

در بیت صورت سؤال، سعدی، دانایان را به پند دادن ترغیب می کند و همین تشویق کردن، گواه بر این است که تربیت در نهایت تأثیر خود را (حتی در موقع پیشمانی) خواهد گذاشت؛ اما در بیت گزینه «۲»، «بدگهر بودن» آهن و خصلت ذاتی او، مانع از تأثیر صیقل (تربیت برای انسان) دانسته شده است.

**تشریح سایر گزینه ها:**

گزینه «۱»: «جور استاد» یا همان تربیت همراه با عتاب و تنبیه، از مهر پدر بهتر دانسته شده است.

گزینه «۳»: «چوب تر» به دلیل انعطاف، زود خم می شود اما «چوب خشک» را هم اگر چه «بدگهر» است، با آتش می توان تغییر داد.

گزینه «۴»: تأثیر همنشین خوب بر انسان، همان تأثیر تربیت است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۳۴)

۱۴۸-

(قارچ از کشور ۹۳)

مفهوم عبارت سؤال و ابیات گزینه های «۱»، «۳» و «۴»: آدمی سرانجام سزای اعمال و گفتار خود را می بیند.

مفهوم بیت گزینه «۲»: هنگام عصبانیت، آدمی، انصاف و تقوی و دین را فراموش می کند و نمی تواند خود را کنترل کند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، ترکیبی)

۱۴۹-

(کتاب آبی)

در گزینه «۳» شاعر برای انسان، اختیار و اراده آزاد قائل است، حال آن که در گزینه های دیگر گرایش به قضا و قدر و جبر گرایی مشهود است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۳۱)

۱۵۰-

(کتاب آبی)

در بیت گزینه «۲» شاعر بیش تر به مفهوم «بخشنده گی حتی از مال اندک» تأکید دارد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۲۶)



علوم و فنون ادبی (۲)

۱۵۱-

(ممتاز شریفی)

در بیت اول پایه‌های آوایی باید به صورت دسته‌های هجایی چهار، چهار، سه تقسیم شوند. در صورتی که در سؤال به صورت دسته‌های هجایی سه، چهار، چهار تقسیم شده‌اند. شکل درست پایه‌های آوایی آن به این صورت است:

پ بُرِ رِ دَز	ک سی کا خر	ب بُرِ رَد
- - - U	- - - U	- - U

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: از چهار پایه آوایی با چهار هجا تشکیل شده است.

گزینه «۳»: از چهار پایه آوایی به صورت دسته‌های هجایی «سه، سه، سه، سه، دو» تشکیل شده است.

گزینه «۴»: از چهار پایه آوایی به صورت دسته‌های هجایی «چهار، چهار، چهار، سه» تشکیل شده است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۱۵۲-

(سید جمال طباطبایی نژاد)

برش هجایی مصراع اول بیت چنین است:

هر خ سی از	رَن گِ گِ ف تا	ری پ دین ره	کی ر سَد
- - U -	- - U -	- - U -	- U -

پایه آوایی دوم (U-- -) است.

گزینه «۴»: «کُو کَ بَش را» با رکن دوم بیت دقیقاً هماهنگ است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: گفتار من (U-- -)

گزینه «۲»: نامه‌رسان (UU--)

گزینه «۳»: رفتار تو (UU--)

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۷)

۱۵۳-

(سعید یعفری)

دانی کِ چی | ست دو لت | دی دا ر یا | ر دی دن

در کوی او | گِ دا بی | بر خس روی | گِ زی دن

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۴)

۱۵۴-

(مهمد ابراهیم مازنی)

بیت گزینه «۳» از چهار پایه آوایی (U-- -) تشکیل شده که ردیف آن (نمی‌گنجد) هم برابر با یک پایه است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ردیف: هم نمی‌ارزد (U-- -)

گزینه «۲»: ردیف: می‌زنم (U--)

گزینه «۴»: ردیف: بنشینند (U--)

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۷)

۱۵۵-

(سید جمال طباطبایی نژاد)

در بیت گزینه «۳» پایه‌های آوایی هر مصراع سه تایی است، اما در سه گزینه دیگر پایه‌های آوایی در هر مصراع چهار تایی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۲۲ تا ۲۷)

۱۵۶-

(علیرضا یعفری)

وجه شبه شاعر و سوزن، لاغری و نزار بودن است که در بیت به آن اشاره نشده است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: وجه شبه: سرخی

گزینه «۳»: وجه شبه: بالیدن و رقصیدن

گزینه «۴»: وجه شبه: درازی

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه ۳۰)

۱۵۷-

(عمیر مفرئی)

آرایه تشبیه در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «آتش شوق»

گزینه «۲»: «به‌سان مؤذنی بر بام مأذن» = (ادات تشبیه: به‌سان)

گزینه «۳»: «چاه ملامت»

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۲۹ تا ۳۲)

۱۵۸-

(اعظم نوری‌نیا)

در بیت این گزینه فقط تشبیه گسترده وجود دارد: چون (ادات تشبیه) / غنچه (مشبهه) / عقده‌ها (مشبه) / خود به خود وا شدن (وجه شبه)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: گوهر مقصود: تشبیه فشرده ترکیبی / چون (ادات تشبیه) / صدف (مشبه) / مانند صدف در دامن خود گوهر مقصود یافت (وجه شبه): تشبیه گسترده

گزینه «۳»: یاقوت و لعل (مشبه) / خون دل (مشبهه) شد: تشبیه فشرده غیر ترکیبی / هر که (مشبه) / چون (ادات تشبیه) / کهسار (مشبهه) / دست و پا زدن (وجه شبه): تشبیه گسترده

گزینه «۴»: چون (ادات تشبیه) / صدف (مشبهه) / هر قطره آبی که سنگ شد (وجه شبه): تشبیه گسترده / قطره آب (مشبه) / سنگ (مشبهه) شد: تشبیه فشرده غیر ترکیبی

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۲)

۱۵۹-

(علیرضا یعفری)

تشبیهات به کار رفته در عبارت صورت سؤال:

انگشت‌ها مانند پروانه‌ها / انگشت‌ها مانند رنگین کمان / چشم مانند گردونه / برگ‌ها مانند خوانچه

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۲۹ تا ۳۲)

۱۶۰-

(ویدر رضازاره - فراسان شمالی)

دو تشبیه دارد (ماه ← نعل سمنند / قد بلند او ← بالای صنوبر)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: سه تشبیه (سرشک ← طوفان نوح / سینه ← لوح / مهر ← نقش)

گزینه «۲»: سه تشبیه (کدورت ← گرد / مهتاب ← چشمه / جان پاک ← چشمه مهتاب)

گزینه «۴»: سه تشبیه (خال ← نقطه / وجود ← پرگار / عقل ← دایره)

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۲۹ تا ۳۲)



عربی زبان قرآن (۳)

۱۶۱-

(رضا معصومی)

«إِنَّ»: همانا، بی‌گمان / «ذو فضل»: دارای بخشش، صاحب فضل / «علی النَّاسِ»: بر مردم / «و لکنَّ»: ولی، اما / «أَكْثَر النَّاسِ»: بیشتر مردم / «لا یَشْكُرُونَ»: شکرگزاری نمی‌کنند

(عربی (۳)، ترجمه، صفحه ۶)

۱۶۲-

(درویشعلی ابراهیمی)

«بعض الناس»: برخی (از) مردم، بعضی (از) مردم / «یَتَصَوَّرُونَ»: گمان می‌کنند، به تصور می‌آورند / «أَنَّ»: که / «انطوی»: به هم پیچیده شد (شده است) / «عالم أكبر»: جهانی بزرگ‌تر

(عربی (۳)، ترجمه، صفحه ۲)

۱۶۳-

(مبیر همایی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۱»: «□ از نقره □» صحیح است.

در گزینه «۲»: «...گویی □ هدفی است...» صحیح است.

در گزینه «۴»: «□ دانش‌آموزان ما □» صحیح است.

(عربی (۳)، ترجمه، ترکیبی)

۱۶۴-

(رضا معصومی)

در گزینه «۴»: کلمه «أحیاء» (زندگان) با «موتی» (مردگان) متضاد است.

(عربی (۳)، مفهومی، صفحه‌های ۲ و ۳)

۱۶۵-

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

عبارت گزینه «۱»: «به آن‌چه در دستت هست (داری)، راضی باش تا بی‌نیازترین مردم باشی!» بر قناعت تأکید دارد، اما مفهوم سایر گزینه‌ها متفاوت است.

ترجمه گزینه «۳»: از زبان‌های مردم به سلامتی، راهی نیست!

ترجمه گزینه «۴»: گویی راضی کردن همه مردم، هدفی است که به دست نمی‌آید!

(عربی (۳)، مفهومی، صفحه ۶)

۱۶۶-

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «مفرده: الغمیل» نادرست است. مفرد آن، «العامل» به معنای «کارگر» است.

گزینه «۲»: «من مصدر: تردّد» (از باب تفعّل) درست است.

گزینه «۴»: «معرب» نادرست است، زیرا حروف همگی مبنی هستند.

(عربی (۳)، تحلیل صرفی و اعراب، صفحه ۸)

۱۶۷-

(مبیر همایی)

الدنیا: مضاف الیه است و خبر کأنّ، «آلتی» می‌باشد.

(عربی (۳)، تحلیل صرفی و اعراب، ترکیبی)

۱۶۸-

(درویشعلی ابراهیمی)

حرف «أَنَّ» که یکی از حروف مشابه بالفعل است؛ وقتی در عبارتی به کار می‌رود، دو بخش از آن عبارت را به هم پیوند می‌دهد و معنایی معادل «که» در فارسی دارد. مانند «فهمتُ أَنَّ الجوّ باردٌ هناك»: فهمیدم که آن‌جا هوا سرد است.

(عربی (۳)، انواع جملات، صفحه ۵)

۱۶۹-

(درویشعلی ابراهیمی)

در این گزینه به جای داشتن «اسم و خبر»، «مبتدا و خبر» داریم: المشترون: مبتدا / مترّدون: خبر

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: چون در این عبارت حرف «لیت» به کار رفته است، مبتدا را به صورت «اسم» خود و خبر را به صورت «خبر» خود درآورده است. (ی - أشاءهذ)

گزینه «۲»: در این عبارت کلمه «هذا» اسم «لعلّ» و کلمه «یحتاج» خبر آن است.

گزینه «۴»: در این عبارت «الله» اسم «إِنَّ» و فعل «يُحِبّ» خبر آن است.

(عربی (۳)، انواع جملات، صفحه ۷)

۱۷۰-

(ممبرصارق مصنی)

«أَنَّ» جمله بعد از خود را تأکید می‌کند.

دقت کنید که «إِنَّ» در ابتدای جمله آمده و پس از آن اسم می‌آید.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «أَنَّ» در وسط جمله برای پیوند میان دو جمله می‌آید.

گزینه «۳»: «أَنَّ» (از حروف ناصبه) به معنای «که» قبل از فعل می‌آید.

گزینه «۴»: «كأنَّ» به معنای «گویی» قبل از اسم می‌آید.

(عربی (۳)، انواع جملات، صفحه ۵)



## تاریخ (۳)

۱۷۶-

(میلاد هوشیار)

«تادر» برای پذیرفتن سلطنت شرایطی را مطرح کرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از:

- (۱) موروثی شدن سلطنت در خاندان او
- (۲) حمایت نکردن بزرگان و رؤسای طوایف از خاندان صفوی
- (۳) حل اختلافات مذهبی با دولت عثمانی

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و گونه‌های منابع دوره معاصر، صفحه ۱۷)

۱۷۷-

(میلاد هوشیار)

لطفعلی خان به دلیل غرور و اشتباهات نظامی و رویگردانی بزرگانی چون ابراهیم خان کلانتر از دربارش، از آقا محمد خان قاجار شکست خورد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و گونه‌های منابع دوره معاصر، صفحه ۲۱)

۱۷۸-

(علی‌محمد کریمی)

با وجود مخالفت زمامداران عثمانی با تلاش‌های نادرشاه برای حل اختلافات مذهبی میان دو کشور مسلمان، سرانجام با عقد معاهده‌ای میان دو طرف (ایران و عثمانی) صلح برقرار شد که تا اواخر حکومت کریم خان، که سپاه زندیه بصره را تصرف کرد، دوام آورد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و گونه‌های منابع دوره معاصر، صفحه ۲۱)

۱۷۹-

(سید علیرضا احمدری)

در سده ۱۸ م کشورهای فرانسه، هلند و انگلستان وارد هندوستان شدند و با تأسیس شرکت‌های بزرگ تجاری با نام کمپانی هند شرقی فعالیت‌های استعماری خود را گسترش دادند.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و گونه‌های منابع دوره معاصر، صفحه ۲۵)

۱۸۰-

(میلاد هوشیار)

از عوامل مؤثر در انقلاب فرانسه، شکست نظامی از انگلستان و صرف منابع مالی هنگفت در سرزمین آمریکا (ورشکستگی اقتصادی و ضعف سیاسی و نظامی) و همچنین ظهور اندیشه‌های فلاسفه و روشنفکرانی متأثر از عصر روشنگری و طرح مباحث علمی و ادبی توسط گروهی از آنان (تحولات فکری جامعه فرانسه) بود.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و گونه‌های منابع دوره معاصر، صفحه ۲۸)

۱۷۱-

(آرزو میرزایی)

میرزا محمد صادق موسوی، نویسنده تاریخ گیتی‌گشا، تاریخ زندیه را با اسلوبی مصنوع و دشوار همراه با تملق‌گویی از فرمانروایان زند نوشته است.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و گونه‌های منابع دوره معاصر، صفحه ۲)

۱۷۲-

(علی‌محمد کریمی)

ویژگی‌های تاریخ‌نگاری سنتی:

- الف) تأکید بر تاریخ سیاسی و نظامی
- ب) بی‌توجهی به زندگی اجتماعی و حیات فرهنگی و اقتصادی مردم
- ج) بی‌توجهی به علل و نتایج رویدادهای تاریخی
- د) داشتن روحیه تملق و چاپلوسی
- ه) تأکید بر مصنوع و متکلف نویسی و پرهیز از ساده‌نویسی
- و) بی‌توجهی به سنجش و نقد منابع

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و گونه‌های منابع دوره معاصر، صفحه ۲)

۱۷۳-

(سید علیرضا احمدری)

- «میرزا آقاخان کرمانی» معتقد بود که مورخان جدید اروپایی با بررسی سیر حوادث و مطالعه علل و نتایج رویدادها به قوانینی دست یافته‌اند که آن را «حکمت تاریخی» می‌نامند.

- «میرزا فتحعلی خان آخوندزاده» شیوه تاریخ‌نویسی رضاعلی‌خان هدایت را به دلیل استفاده او از شعر در بیان رویدادها و به کار بردن الفاظ مصنوع ادبی مورد انتقاد قرار داد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و گونه‌های منابع دوره معاصر، صفحه‌های ۵ و ۶)

۱۷۴-

(پرویز یحیی)

«کتاب تاریخ ایران» اثر سرپرسی ساپکس و «کتاب تاریخ منتظم ناصری» اثر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه می‌باشد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و گونه‌های منابع دوره معاصر، صفحه ۸)

۱۷۵-

(پرویز یحیی)

روزنامه قانون در لندن توسط میرزا ملکم خان و روزنامه حبل‌المتین در کلکته هندوستان به همت سید جلال‌الدین کاشانی منتشر می‌شد.

(تاریخ (۳)، تاریخ‌نگاری و گونه‌های منابع دوره معاصر، صفحه ۱۲)



## جغرافیا (۳)

۱۸۶-

(مهمعلی فطیبی بایگی)

مادرشهر (متروپول) بزرگترین و مهم‌ترین شهر یک ناحیه، استان یا کشور است. با افزایش جمعیت مادرشهرها و گسترش حومه‌های آن‌ها منطقه‌هایی با عنوان منطقه مادرشهری به وجود آمده‌اند. در برخی از بخش‌های جهان، زنجیره‌ای از مادرشهرها پدید آمده‌اند که با آن‌ها مگالاپلیس (منطقه ابرشهری) می‌گویند.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۱۸۷-

(بهوروز یببی)

رشد شهرنشینی در کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین، طی دوره‌های زمانی کوتاه‌تر و سریع‌تر از رشد صنعتی رخ داد و شهرها از نظر امکانات و تسهیلات آمادگی لازم برای ورود مهاجران روستایی را نداشتند.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۷)

۱۸۸-

(بهوروز یببی)

با بروز تحولات صنعتی و ورود کشورها به عصر نوسازی (مدرنیزاسیون) نفوذ شهرها و شهرگرایی در روستاها افزایش یافت.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۷)

۱۸۹-

(آزاده میرزایی)

شهر محل انباشت سرمایه، تولید کالاهای کارخانه‌ای و تمرکز اقتصادی است و مبادله‌ای نابرابر بین شهر و روستا جریان دارد.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۱۸)

۱۹۰-

(مهسا عفتی)

در ایران، اصلاحات ارضی در سه مرحله انجام گرفت اما به سبب تقسیم نادرست زمین، حمایت نکردن دولت از کشاورزان، توجه به صنایع مونتاژ و واردات کالا از کشورهای خارجی نه تنها وضع روستاییان بهتر نشد بلکه شرایط انهدام کشاورزی نیز فراهم آمد.

نکته: مهاجرت روستائیان به شهرها معلول عدم موفقیت اصلاحات ارضی است نه علت آن.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۲۰)

۱۸۱-

(مهمرابراهیم مازنی)

در انتخاب مکان برای استقرار و سکونت جمعیت، عوامل طبیعی (مانند دسترسی به منابع معدنی و ناهمواری) نقش بیشتری نسبت به عوامل انسانی (مانند دسترسی به راه‌های تجاری) دارند. شهر اهواز در کنار رودخانه کارون و در محل تقاطع راه‌های آبی، جاده‌ای و راه‌آهن قرار گرفته است و موقعیت چهار راهی دارد. این موقعیت سبب شده است که حوزه نفوذ گسترده‌ای داشته باشد.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۲ تا ۴)

۱۸۲-

(مهسا عفتی)

در روستاها فضاهای باز و چشم‌اندازهای طبیعی بیشتر و گسترده‌ترند. در شهرها، خانه‌ها و مغازه‌ها و فضاهای صنعتی به هم فشرده‌ترند و فعالیت‌های متنوع در فضاهای محدودتری متمرکز شده‌اند.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: به‌طور کلی شهرها از روستاها پرجمعیت‌ترند و تراکم جمعیت نیز در آن‌ها بیشتر است.

گزینه «۲»: متداول‌ترین ملاک تشخیص شهر و روستا ملاک جمعیتی است.

گزینه «۴»: در اغلب سکونتگاه‌های روستایی، درصد بیشتری از جمعیت فعال، در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند اما در شهرها بیشتر مردم در بخش‌های صنعتی و خدماتی مشغول به کارند.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۶)

۱۸۳-

(آزاده میرزایی)

سلسله مراتب سکونتگاه‌های روستایی در اروپا از حیث تنوع خدمات از کمتر به بیشتر: هاملت ← روستا ← شهر کوچک ← شهر متوسط ← شهر منطقه‌ای ← پایتخت

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۷)

۱۸۴-

(مهمعلی فطیبی بایگی)

برخی از سکونتگاه‌ها حوزه نفوذ کم وسعتی دارند؛ برای مثال، یک شهر کوچک ممکن است فقط به چند روستای پیرامون خود خدمات بدهد و ساکنان روستاهای پیرامون برای خرید و کار در کارخانه‌ها و استفاده از مراکز درمانی به آن شهر مراجعه کنند.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۹)

۱۸۵-

(آزاده میرزایی)

طبق جدول صفحه ۱۱ کتاب درسی، آمریکای شمالی با ۸۱/۵ درصد، بیشترین سطح شهرنشینی جهان را در سال ۲۰۱۴ میلادی داشته است و طبق نقشه پراکندگی شهرهای بزرگ در صفحه ۱۲ کتاب درسی قاره آسیا بیش‌ترین شهرهای بزرگ با بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت را دارا بوده است.

(بجغرافیا (۳)، بجغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)



**تاریخ (۱)**

۱۹۱-

(آزاده میرزایی)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: «ایرانیان عصر باستان همانند یونانیان و رومیان در نوشتن کتاب‌های تاریخی موفق نبودند.

گزینه ۳: «لوح‌های کشف شده در کاوش‌های تخت جمشید، اطلاعات سودمندی دربارهٔ اوضاع اقتصادی و اجتماعی و تشکیلات اداری دورهٔ هخامنشیان ادامه می‌دهند.

گزینه ۴: «عمدهٔ منابع نوشتاری غیرایرانی را کتاب‌های مورخان یونانی و رومی تشکیل می‌دهند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۶۶، ۶۷ و ۶۸)

۱۹۲-

(آزاده میرزایی)

شهر شوش (نه آنتشان) در دوران حکومت ایلامی‌ها به اوج شکوفایی اقتصادی رسید و پیشه‌ها و صنایع مختلفی مانند سفالگری، فلزکاری و بافندگی در آن شهر رونق یافتند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۹)

۱۹۳-

(سید علیرضا احمدی)

یورش‌ها و غارت‌گری‌های پی‌پی آشوریان، زمینهٔ اتحاد قبایل پراکندهٔ ماد را فراهم آورد. از این رو، رؤسای این قبایل، یکی از بزرگان مادی به نام دَهِیوِک را به پادشاهی برگزیدند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۸۱)

۱۹۴-

(بهرروز بیگی)

اردشیر سوم پسر و جانشین اردشیر دوم در ابتدای حکومتش به قتل عام افراد خاندان سلطنتی پرداخت و کسانی را که احتمال می‌داد ادعای شاهی کنند، به قتل رساند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۸۷)

۱۹۵-

(علی‌محمد کریمی)

در زمان قباد یکم حکومت ساسانی با جنبش اجتماعی و اقتصادی به رهبری مزدک (نه مانی) مواجه شد. مزدک طرفدار برابری مردم در بهره‌مندی از منافع اقتصادی و اجتماعی بود. قباد که قصد داشت از قدرت اشراف و نجبا و موبدان بکاهد و دست آنان را از امور کشور کوتاه کند، به حمایت از مزدک برخاست اما اشراف و نجبا او را از پادشاهی برکنار و زندانی کردند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۹۵)

۱۹۶-

(بهرروز بیگی)

در زمان شاپور یکم، یکی از امپراتوران روم به نام گردیانوس در نبرد با ایرانیان کشته شد و امپراتور دیگری در همین دوره به نام والرینوس به اسارت ایرانیان درآمد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۹۶)

۱۹۷-

(میلاد هوشیار)

دلیل توانمندی سواره‌نظام اشکانی، پیشینهٔ صحراگردی‌شان بود که به آنان این توانایی را داده بود.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۰۷)

۱۹۸-

(سید علیرضا احمدی)

در قسمت‌هایی از کتاب اوستا که منسوب به زرتشت است، تفاوت چندانی میان مرد و زن وجود ندارد. تنها در بخش‌هایی از اوستا که احتمالاً در زمان ساسانیان تدوین شده است، موقعیت اجتماعی زن پایین‌تر از مرد قرار می‌گیرد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۱۱۴ و ۱۱۵)

۱۹۹-

(علی‌محمد کریمی)

به‌طور کلی عمده‌ترین منابع درآمد حکومت در ایران باستان عبارت بود از: انواع مالیات‌ها، شامل مالیات کشاورزی و دام، مالیات پیشه‌وران و مالیات سرانه؛ عوارض گمرکی، حمل و نقل و راهداری و حق بهره‌برداری از معادن و جنگل‌ها.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۲۶)

۲۰۰-

(آزاده میرزایی)

آیین بودایی از آیین‌هایی بود که در دورهٔ اشکانیان به ایران نفوذ کرد و مبلغان بودایی در سرزمین‌های شرقی حکومت اشکانی به تبلیغ اندیشه و آموزه‌های بودا می‌پرداختند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۳۲)



**جغرافیا (۱)**

۲۰۱-

(آزاده میرزایی)

با اطلاعات داده شده می‌توان «رشد طبیعی جمعیت» را اندازه گرفت.

$$1000 \times \frac{\text{میزان مرگ و میر} - \text{میزان موالید}}{\text{کل جمعیت همان سال}} = \text{رشد طبیعی جمعیت}$$

$$\text{رشد طبیعی جمعیت} = \frac{1/400/000 - 340/000}{70/000/000} \times 1000 = 1/5$$

(یغرافیای ایران، یغرافیای انسانی ایران، صفحه ۶۳)

۲۰۲-

(بهروز یحیی)

اگر سیاست کنترل جمعیت در ابعاد شدید ادامه پیدا کند، جمعیت کشور به تدریج دچار پیری می‌شود و در نهایت مشکلات دیگری دربر خواهد داشت. نکته قابل توجه در مهاجرت این است که اعضای یک خانواده با هم به دنیا نمی‌آیند و با هم از دنیا نمی‌روند (مگر در سوانح)، ولی اغلب، اعضای خانوارها با هم مهاجرت می‌کنند و حتی در مواردی چندین خانواده یا کلیه ساکنان یک محل یا منطقه به خاطر عامل یا عوامل مشترک، جابه‌جا می‌شوند. به همین خاطر، مطالعه مهاجرت در بحث تغییرات جمعیتی مهم است.

(یغرافیای ایران، یغرافیای انسانی ایران، صفحه ۶۶)

۲۰۳-

(مهمد ابراهیم مازنی)

در سال ۱۳۱۶ با تصویب قانون تقسیمات کشوری، ایران به ده استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد. در این قانون، هر استان به چند شهرستان و هر شهرستان به چند بخش و هر بخش به چند دهستان و هر دهستان به چند قصبه تقسیم شد.

(یغرافیای ایران، یغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۷۰ تا ۷۳)

۲۰۴-

(مهسا عفتی)

۵۳ درصد شهرهای ایران در ارتفاع ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متر قرار دارند و آب مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری سکونتگاه‌های شهری و روستایی ایران است.

(یغرافیای ایران، یغرافیای انسانی ایران، صفحه ۷۶)

۲۰۵-

(مهمد علی فطیبه بایگی)

فعالیت اغلب ساکنان «روستا» وابسته به زمین است. قدیمی‌ترین سکونتگاه شناخته شده در ایران، «سکونتگاه عشایری» است. «عشایر» به‌طور مستقیم از منابع طبیعی استفاده می‌کنند.

(یغرافیای ایران، یغرافیای انسانی ایران، صفحه ۷۹)

۲۰۶-

(مهمد علی فطیبه بایگی)

برخی از شهرها شکل ترکیبی دارند، این شهرها در دوره‌های مختلف گسترش پیدا کرده‌اند. به همین دلیل شکل این شهرها از نوع ترکیبی است. شهر همدان شکل شعاعی دارد.

(یغرافیای ایران، یغرافیای انسانی ایران، صفحه ۸۱)

۲۰۷-

(مهمد ابراهیم مازنی)

در نمودار شاغلان بخش‌های مختلف اقتصادی در ایران، کشاورزی و صنعت به ترتیب ۱۶/۱ و ۳۲/۴ درصد سهم را دارا هستند. با اینکه به دلیل تنوع وضعیت آب و هوایی در ایران، فعالیت‌های زراعی در کشور ما بسیار گوناگون است، اما محدودیت در منابع آب و خاک، بهره‌وری کم، وجود آفات و خسارات طبیعی، نوسانات آب و هوایی، بی‌ثباتی در قیمت محصولات و ... از جمله مشکلات تولیدات زراعی در کشور است.

(یغرافیای ایران، یغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۸۶ تا ۸۸)

۲۰۸-

(مهمد علی فطیبه بایگی)

«انار» و «پسته» جزء تولیدات استان یزد است. استان خراسان رضوی نیز از تولیدکنندگان اصلی انار است.

(یغرافیای ایران، یغرافیای انسانی ایران، صفحه ۸۸)

۲۰۹-

(مهسا عفتی)

- تولید محصولات دامی باعث رونق صنایع غذایی در کشور شده است.  
- گستردگی زیاد در عرض جغرافیایی، وجود گونه‌های متنوع دامی، تنوع اقلیمی و تنوع گونه‌های گیاهی، وضع مناسبی را برای کشورمان به‌منظور پرورش انواع دام فراهم کرده است.

- صنایع غذایی در اقتصاد غذایی، اشتغال، تولید ناخالص داخلی، امنیت غذایی و صادرات کشور نقش مهمی دارد.

(یغرافیای ایران، یغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۸۹ و ۹۰)

۲۱۰-

(بهروز یحیی)

صنعت پتروشیمی بعد از نفت و گاز، بزرگ‌ترین بخش صنعتی کشور است. استان‌های یزد، کرمان و اصفهان بیشترین شاغلان بخش معدن کشور را دارند.

(یغرافیای ایران، یغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)



## جامعه‌شناسی

-۲۱۱

(ارغوان عبدالملکی)

«عدالت و قسط» ارزشی است که مانع پایمال شدن حقوق انسان‌ها، قطبی شدن جهان و استضعاف و بهره‌کشی ظالمانه برخی از برخی دیگر می‌شود. فرهنگ‌هایی که به حقیقتی قائل نباشند، نمی‌توانند معیار و میزانی برای سنجش عقاید و ارزش‌های مختلف داشته باشند و در نتیجه نمی‌توانند از حقانیت ارزش‌های خود دفاع کنند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۶)

-۲۱۲

(ماهان آشوری)

فرهنگ‌هایی که به‌سوی جهانی شدن حرکت می‌کنند، بر دو نوع است؛ گونه دوم آن از عقاید و آرمان‌های مشترک انسانی سخن می‌گوید.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۱۲ و ۱۳)

-۲۱۳

(الله فضری)

برای این‌که جهان اجتماعی را بهتر بشناسیم، می‌توانیم آن را با پدیده‌های مختلفی مقایسه کنیم.

عضویت در جهان اجتماعی و نظم میان اعضای آن، با اراده و آگاهی انسان‌ها تعریف می‌شود و با قرارداد آن‌ها به وجود می‌آید.

فرهنگ جهانی باید روح تعهد و مسئولیت را در انسان‌ها ایجاد کند تا زمینه گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم آورد.

(جامعه‌شناسی (۱)، جوان اجتماعی، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۷ و جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۱۶)

-۲۱۴

(الله فضری)

انسان‌ها برای رهایی از سردرگمی و ایجاد نظم، به دسته‌بندی رو می‌آورند. دسته‌بندی به معیار و قاعده نیاز دارد. برای تشخیص پدیده‌هایی که به جهان اجتماعی تعلق دارند نیز معیار و قاعده خاصی وجود دارد که عبارت است از ارتباط پدیده‌ها با زندگی انسان. (قسمت اول تمامی گزینه‌ها درست است)

ورود پدیده‌های طبیعی و ماورای طبیعی (به بیانی دیگر ریشه پدیده‌های تکوینی) به جهان اجتماعی باعث گسترش آن می‌شود. (نادرستی گزینه‌های ۳ و ۴)

احترام به قانون یک کنش اجتماعی است. خانواده، امنیت، صلح و ... حاصل کنش‌های اجتماعی انسان‌هاست.

(جامعه‌شناسی (۱)، جوان اجتماعی، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۱)

-۲۱۵

(ارغوان عبدالملکی)

آزادی همواره دو پرسش به همراه دارد: آزادی از چه؟ آزادی برای چه؟ زیرا آزادی همواره رهایی از یک امر برای رسیدن به امر دیگری است. به این پرسش‌ها براساس ارزش‌های جهان‌شمول دیگر مانند حقیقت، معنویت و عدالت پاسخ داده می‌شود. با پاسخی که به این دو پرسش داده می‌شود، معنای آزادی مشخص می‌گردد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۱۵)

-۲۱۶

(الله فضری)

علوم طبیعی با شناخت طبیعت و قوانین آن، به انسان در استفاده از طبیعت کمک می‌کنند.

دانشمندان علوم اجتماعی تلاش می‌کنند نظم و قواعد جهان اجتماعی را کشف کنند. آن‌ها با کشف این قواعد می‌توانند تأثیر اجتماعات بر زندگی ما را توضیح دهند و ما با شناخت این قواعد هم از فرصت‌های آن‌ها برخوردار می‌شویم و هم از آسیب‌های احتمالی زندگی در اجتماعات مختلف در امان می‌مانیم.

کنش‌های اجتماعی، ابعاد و انواع مختلفی دارند و برای بررسی و مطالعه آن‌ها، دانش‌های مختلفی به وجود آمده است.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۰ و ۱۲)

-۲۱۷

(الله فضری)

مطالعه «علمی» اجتماعات مختلف به شکل‌گیری علوم اجتماعی انجامیده است. علوم اجتماعی به دانش‌هایی گفته می‌شود که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر کنش‌ها و شیوه زندگی ما و همچنین اثرپذیری آن‌ها از کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کنند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

-۲۱۸

(آزیتا بیدری)

جهان متجدد، براساس هویت دنیوی خود دانش علمی را محدود و منحصر به علم تجربی می‌دانست.

(جامعه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه ۶)

-۲۱۹

(آزیتا بیدری)

در راه رفتن، غذا خوردن و حرف زدن انسان‌ها آگاهی‌هایی وجود دارد که به سبب عادت، از نظر و توجه آن‌ها پنهان بوده است.

(جامعه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه ۳)

-۲۲۰

(آزیتا بیدری)

آن‌ها با سخن گفتن از وحدت روش، به جای موضوع علوم، تنها روش علم را حس و تجربه دانستند.

(جامعه‌شناسی (۳)، زفیره دانشی، صفحه ۷)

-۲۲۱

(اعظم ربیعی)

فرهنگ‌هایی که عقاید و ارزش‌های آن‌ها ناظر به قوم و منطقه خاصی است از محدوده قومی و منطقه‌ای خود، فراتر نمی‌روند و جهانی نمی‌شوند مگر این‌که نسبت به سایر اقوام و مناطق، نگاه سلطه‌جویانه داشته باشند. فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها، رفتارها و رفتارهای آن مطابق نیازهای فطری باشد، همان فرهنگ حق است. فارابی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد اما رفتارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می‌نامد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)





-۲۲۲

(اعظم ریوی)

فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها یا هنجارهای آن، ناظر به قوم، منطقه یا گروه خاصی است، جهان را به مناطقی دوگانه تقسیم می‌کند؛ منطقه مرکزی، منطقه پیرامونی را به خدمت می‌گیرد، فرهنگ سرمایه‌داری و صهیونیسم دو نمونه از این نوع فرهنگ هستند.

فرهنگی که صرفاً متوجه نیازهای مادی و دنیوی است و از نیازهای ابدی و معنوی انسان چشم‌پوشی می‌کند، بشر را به بحران‌های روحی و روانی گرفتار می‌سازد. فرهنگ جهانی باید از ارزش جهان‌شمول معنویت برخوردار باشد.

فرهنگ جهانی باید دارای دو سطح از عقلانیت باشد؛ ابتدا باید به پرسش‌های بنیادین بشر درباره انسان و جهان پاسخ دهد. اگر فرهنگی نتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد، توان دفاع از هویت خود را از دست می‌دهد. بشر علاوه بر پرسش‌های بنیادین، با شرایط تاریخی مختلفی مواجه می‌شود که پرسش‌ها و نیازهای متفاوتی ایجاد می‌کند. فرهنگ جهانی باید بتواند براساس عقاید و ارزش‌های بنیادین خود، به این پرسش‌ها و نیازهای متغیر پاسخ مناسب بدهد.

فراپی جامعه‌ای را که عقاید و ارزش‌های آن حق باشد اما هنجارها و رفتارهای آن موافق و همسو با حق نباشد، مدینه فاسقه می‌نامد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۶)

-۲۲۳

(اعظم ممدری)

هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد یا دگرگون می‌شود. هر جامعه طی نسل‌های مختلف، با انتقال فرهنگ خود به بازتولید خویش می‌پردازد.

(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه‌های ۱۷)

-۲۲۴

(آزیتا بیرقی)

عبارت اول: تقسیم‌بندی بر اساس اندازه و دامنه یعنی طیف خرد و کلان است.

عبارت دوم: تقسیم‌بندی بر اساس ابعاد ذهنی و عینی یعنی طیف محسوس و نامحسوس است.

عبارت سوم: تقسیم‌بندی بر اساس ابعاد ذهنی و عینی یعنی طیف محسوس و نامحسوس است.

نکته: همه پدیده‌های اجتماعی، بعد معنایی و ذهنی دارند اما همه آن‌ها بعد محسوس و عینی ندارند.

(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه‌های ۲۳ تا ۲۶)

-۲۲۵

(اعظم ریوی)

فرهنگ جهانی باید روح تعهد و مسئولیت را در انسان‌ها ایجاد کند تا زمینه گسترش و تحقق عقاید و ارزش‌های جهان‌شمول را فراهم آورد.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: فرهنگ جهانی باید از ارزش جهان‌شمول معنویت برخوردار باشد.

گزینه «۳»: برخی فرهنگ‌ها رویکرد جبرگرا و غیرمسئول دارند.

گزینه «۴»: در این گزینه حقیقت داشتند، فرهنگ مهم است.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۱۴ تا ۱۶)

-۲۲۶

(آزیتا بیرقی)

هر نهاد اجتماعی مطابق با لایه‌های بنیادین جهان اجتماعی (عقاید و ارزش‌ها) نیازهای خاصی از افراد جامعه را تأمین می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه ۲۸)

-۲۲۷

(ارغوان عبدالملکی)

فرهنگ جهانی ابتدا باید به پرسش‌های بنیادین بشر، درباره انسان و جهان، پاسخ دهد و علاوه بر پرسش‌های بنیادین، باید به نیازهای متغیر نیز پاسخ دهد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه ۱۶)

-۲۲۸

(الوه فضری)

همه ما تأثیر اجتماعات را بر رفتار خودمان حس می‌کنیم و متوجه تأثیر کنش‌های خودمان بر ایجاد، تداوم و تغییر اجتماعات هستیم.

با شناخت قواعد زندگی در اجتماعات مختلف می‌توان از آسیب‌های احتمالی زندگی در آن‌ها در امان ماند.

دانشمندان علوم اجتماعی تلاش می‌کنند نظم و قواعد جهان اجتماعی را کشف کنند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

-۲۲۹

(اعظم ریوی)

فرهنگ جهانی باید دارای دو سطح از عقلانیت باشد؛ ابتدا باید به پرسش‌های بنیادین بشر درباره انسان و جهان پاسخ دهد. اگر فرهنگی نتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد، توان دفاع از هویت خود را از دست می‌دهد. بشر علاوه بر پرسش‌های بنیادین، با شرایط تاریخی مختلفی مواجه می‌شود که پرسش‌ها و نیازهای متفاوتی ایجاد می‌کند. فرهنگ جهانی باید بتواند براساس عقاید و ارزش‌های بنیادین خود، به این پرسش‌ها و نیازهای متغیر پاسخ مناسب بدهد.

ارزش جهان‌شمول عدالت و قسط است که فرهنگ جهانی باید در لایه‌های مختلف خود به آن معتقد و پایبند باشد.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ جهانی، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

-۲۳۰

(ارغوان عبدالملکی)

عیادت از بیمار، کنش اجتماعی خرد و عینی و آزادی بیان، کلان و ذهنی است.

(جامعه‌شناسی (۱)، جهان اجتماعی، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)



## فلسفه دوازدهم

۲۳۱-

(فارج از کشور، ۹۴)

طرح مباحث وجودشناسی در معارف الهی، هرگز ماهیت این مباحث را دگرگون نمی‌کند؛ یعنی هرچند این مباحث منشأ آسمانی دارند و حاصل اندیشه فیلسوفان نیستند اما محتوایی فلسفی دارند و مواضع نظری دین را درباره جهان هستی بیان می‌کنند.

(فلسفه، کلیات، صفحه ۱۰)

۲۳۲-

(ممید مهرئی)

لازمه عبور از فطرت اول این است که آدمی هرچند برای لحظاتی از قید عقل معاش فارغ شود و با پرسش‌هایی روبه‌رو گردد که پاسخ‌گویی به آن‌ها، به ظاهر سودی دربر ندارد و بنابر مصالح زندگی عادی مطرح نشده است، اما در حقیقت، ارزش آن به اندازه ارزش وجود آدمی است.

(فلسفه، کلیات، صفحه‌های ۷ و ۸)

۲۳۳-

(الله فشری)

هدف وحی این بوده است که نحوه‌ای نگرش نسبت به جهان هستی عرضه کند تا مسلمانان با تدبر و تفکر و الهام گرفتن از آن، اندیشه و آگاهی خویش را تکامل بخشند و فرهنگ اسلامی را به اتکای این مبانی عمیق و استوار به رشد و بالندگی برسانند، نه این‌که مطالبی حل‌ناشدنی و غیرقابل فهم را عرضه کند و اندیشه‌ها را به تسلیم و سکوت و قبول کورکورانه وادارد.

(فلسفه، کلیات، صفحه ۱۳)

۲۳۴-

(موسی اکبری)

الف) اتولوجیا به اشتباه به ارسطو انتساب داده شده است و توسط ابن ناعمه ترجمه شده است.

(ب) مربوط به حنین بن اسحاق می‌باشد.

(پ) مربوط به اسحاق بن حنین است.

(ت) هم مربوط به اسحاق بن حنین است و هم حنین بن اسحاق.

(فلسفه، کلیات، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳)

۲۳۵-

(موسی اکبری)

استادان فلسفه حران در زمان خلافت معتضد عباسی به بغداد منتقل شدند.

(فلسفه، کلیات، صفحه ۲۱)

۲۳۶-

(موسی اکبری)

ترجمه عبارت به این صورت می‌باشد: «حکمت، گمشده مؤمن است. پس آن را طلب کنید؛ حتی اگر نزد مشرک باشد.»

با توجه به این ترجمه باید گفت گزینه «۳» هم‌خوانی بیشتری دارد چرا که مسلمانان به دلیل علاقه‌مندی به علم و حکمت با کمال اشتیاق، معارف پیشینیان مخصوصاً حکمای یونانی را فراگرفتند.

نکته: این عبارت به تأثیرپذیری فلاسفه مسلمان از حکمای یونان اشاره دارد نه تأثیرگذاری آن‌ها.

(فلسفه، کلیات، صفحه ۲۳)

۲۳۷-

(موسی اکبری)

از قرن سیزدهم به بعد عنصر درخشان عقل که در فلسفه اسلامی جایگاهی خاص داشت بر فرهنگ غربی تأثیر بسیار گذاشت.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲» و «۴»: مربوط به قرن دوازدهم می‌باشد.

گزینه «۳»: آن‌ها از قرن دوازدهم با ابتکارات فیلسوفان اسلامی از جمله سازگار کردن اعتقادات دینی با استدلال‌های عقلی آشنا شدند.

(فلسفه، کلیات، صفحه ۲۴)

۲۳۸-

(ممید مهرئی)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: افرویدیسی از شارحان حکمت ارسطو بود.

گزینه «۲»: اسکندر افرویدیسی خود از شارحان فلسفه ارسطو بود، نه مترجم آن.

گزینه «۴»: ابن سینا، اسکندر افرویدیسی را «فاضل متأخرین» نامیده است.

(فلسفه، کلیات، صفحه ۲۳)

۲۳۹-

(موسی اکبری)

ابن ناعمه کتاب اتولوجیا را که بخشی از تاسوعات افلوپین است، ترجمه و کندی آن را اصلاح کرد.

(فلسفه، کلیات، صفحه ۲۳)

۲۴۰-

(کنکور سراسری ۹۶)

خواجه نصیرالدین طوسی در تألیف کتب فلسفی خود از نظرات شیخ اشراق (سهروردی) بهره برده است.

قطب‌الدین رازی کتابی در ارزیابی شرح‌های خواجه نصیرالدین طوسی و فخرالدین رازی نوشت که محاکمات نام گرفت.

(فلسفه، کلیات، صفحه ۲۵)



منطق و فلسفه یازدهم

۲۴۱-

(موسی آلبری)

ب) مفهوم جزئی تنها به یک مصداق منطبق می‌شود.  
پ) تنها مفهوم کلی در تعریف استفاده می‌شود.

(منطق، تعریف، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۲۴۲-

(فرهار علی‌نژاد)

نسبت بین فلز و جامد عموم و خصوص من‌وجه است و نسبت بین «مفهوم جزئی» و «مفهوم کلی» تباین است که به ترتیب مطابق نسبت «تماز» با «واجب» و «مثنوی» با «غزل» می‌باشد.

**تک:** نسبت‌های چهارگانه بین مفاهیم کلی برقرار می‌شود و مفاهیمی چون ارسطو و ابن سینا با مفاهیم کلی نسبتی از نسب اربعه را ندارند.

(منطق، تعریف، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

۲۴۳-

(کنکور سراسری ۹۵)

اوصاف عرضی در این‌که بیرون از ماهیت و ذات هستند، مشترک‌اند؛ یعنی جزء ذات آن مفهوم نیستند.

مفاهیم عرضی به‌ندرت، اوصاف اول و دوم مفاهیم ذاتی را واجدند؛ نه این‌که به طور کلی این اوصاف را نداشته باشند. (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

(منطق، تعریف، صفحه‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۸)

۲۴۴-

(فرهار علی‌نژاد)

مفاهیم ذاتی، لزوماً قبل از ذات درک می‌شوند؛ یعنی محال است مفهومی درک شود، مگر آن‌که به نوعی ذاتیات آن قبلاً درک شده باشد. «شیهه کشندگی» فصل مفهوم «اسب» است؛ در نتیجه قبل از این مفهوم درک می‌شود.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱: «سه‌بعدی بودن» جزء خصوصیات جسم است.

گزینه ۳: «نامی بودن» یا «نموکنندگی» فصل مفهوم گیاه است؛ پس قبل از «گیاه» درک می‌شود نه بعد از آن.

گزینه ۴: «هنرمندبودن»، از ویژگی‌های عرضی انسان است و بعد از خود مفهوم «انسان» درک می‌شود.

(منطق، تعریف، صفحه ۱۸)

۲۴۵-

(ممیر مهرئی)

تعریف کردن و استدلال یک پدیده دستوری نیست و انسان به‌طور طبیعی تعریف می‌کند و در تعریف کردن چه بخواد و چه نداند و چه نداند، ذاتیات و عرضیات را به کار می‌برد. تعریف کار انسان‌های باسواد یا دانشمندان نیست، افراد بی‌سواد و معمولی هم تعریف می‌کنند و ذاتی و عرضی را به کار می‌برند؛ فقط به کارکرد ذهن خود واقف نیستند.

(منطق، تعریف، صفحه ۱۹)

۲۴۶-

(موسی آلبری)

نظریات دانشمندان علوم انسانی با توجه به دیدگاهی که آن‌ها نسبت به انسان و ماهیت آن دارند با یکدیگر متفاوت است.

(فلسفه یازدهم، معنا و قلمرو فلسفه، صفحه ۱۲)

۲۴۷-

(ممیر مهرئی)

در دیدگاه روان‌شناسی رفتارگرا، انسان ماشینی تلقی می‌شود که مرکب از رفتارهای معینی است و تمام رفتارهای او را می‌توان پیش‌بینی و برای آن‌ها برنامه‌ریزی کرد.

(فلسفه یازدهم، معنا و قلمرو فلسفه، صفحه ۱۴)

۲۴۸-

(موسی آلبری)

مکتب فلسفی مارکسیسم انسان را مانند یک موم فرض می‌کند که شخصیت و آرمان‌های وی براساس شرایط اقتصادی و دوره تاریخی وی شکل می‌گیرد.

(فلسفه یازدهم، معنا و قلمرو فلسفه، صفحه ۱۷)

۲۴۹-

(ممیر مهرئی)

سؤال مربوط به این گزینه در فلسفه علم اخلاق بررسی می‌شود، در حالی که پرسش‌های سایر گزینه‌ها مربوط به فلسفه علم هنر هستند.

(فلسفه یازدهم، معنا و قلمرو فلسفه، صفحه‌های ۱۹ و ۲۱)

۲۵۰-

(کنکور سراسری ۹۵)

پیروان مکتب اصالت فرد در جامعه‌شناسی، در حقیقت جامعه را چیزی غیر از مجموع افراد نمی‌دانند و برای جامعه، جدای از افراد، حیثیت و وجود مستقلی قائل نیستند.

(فلسفه یازدهم، معنا و قلمرو فلسفه، صفحه ۱۷)



## روان‌شناسی

-۲۵۱

(مریم ابراهیمی)  
استفاده از روش مشاهده برای این روان‌شناس مفیدتر است؛ زیرا ممکن است والدین در شرایط آزمایشگاهی، مصنوعی رفتار کنند. همچنین در روش پرسش‌نامه و مصاحبه نیز ممکن است والدین صادقانه پاسخ ندهند یا رفتارهای خود را به خاطر نیاورند و یا آن‌ها را نادیده بگیرند. به همین خاطر روش مشاهده در این پژوهش می‌تواند مناسب‌ترین روش باشد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌های ۲۷ تا ۲۹)

-۲۵۲

(مهسما آزرکردار)  
- آزمون‌ها ابزاری برای کمی کردن ویژگی‌های روان‌شناختی می‌باشند.  
- وقتی نتوانیم موضوعی را به صورت مستقیم از فردی بپرسیم، از مصاحبه بدون ساختار (بدون نظام) استفاده می‌کنیم.  
- در همه‌پرسی‌ها (رفراندم‌ها) معمولاً از مصاحبه ساختاریافته استفاده می‌کنند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۲۹)

-۲۵۳

(مهسا عفتی)  
جنبه هیجانی (ابراز خشم) ← عصبانی شدن و نشان دادن واکنش  
جنبه اجتماعی (روابط با همسالان) ← داشتن روابط عمومی بالا و تعدد دوستان  
جنبه شناختی (حل مسائل) ← تسلط به خود و یافتن راه‌حل عاقلانه

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۳۷)

-۲۵۴

(مهسما آزرکردار)  
قسمت اول نادرست است ← برخی پایان نوجوانی را زمانی می‌دانند که فرد شروع به کار کند و از والدین مستقل شود.  
قسمت دوم درست است.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: هر دو قسمت درست است.  
گزینه ۲: قسمت اول نادرست است ← برخی کودکان ۱ تا ۳ ساله را که تازه راه می‌افتند، نوپا می‌نامند.  
قسمت دوم نادرست است ← دوقلوهای همسان از یک تخمک به وجود آمده‌اند و در بیشتر اوقات از یکدیگر قابل تشخیص نیستند.  
گزینه ۳: هر دو قسمت درست است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۲ و ۴۴)

-۲۵۵

(زهرا همالی)  
پیام‌های مربوط به خواب و برانگیختگی از طریق دستگاه فعال‌ساز شبکه‌ای منتقل می‌شود که در میان مغز قرار دارد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه ۲۵)

-۲۵۶

(نسرین حق‌پرست)  
رشد معلول دو دسته عوامل زیستی (وراثت و دسته‌ای از صفات ذاتی که از قبل در فرد نهفته است.) و محیطی (عوامل موجود در بیرون فرد) است. بنابراین بیت (الف) و گزاره (ج) از عوامل محیطی و در مقابل بیت (ب) و گزاره (د) مربوط به عوامل زیستی هستند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۲)

-۲۵۷

(فرهار علی‌نژاد)  
- پل مغزی شامل رشته‌های عصبی است که علائم را از یک بخش به بخش دیگر مغز منتقل می‌کند.  
- کنترل هماهنگی بدن، توازن و کشش عضلانی با مخچه است.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی؛ تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌های ۲۵ و ۲۶)

-۲۵۸

(مهسا عفتی)  
دامنه سنی دوره کودکی دوم برابر است با ۷ تا ۱۲ سالگی که تقریباً مصادف با مرحله دوم رشد از نظر اسلام می‌باشد (عبد)؛ در این دوران کم‌کم باید زشتی‌ها و زیبایی‌ها را به کودک فهماند و در تأدیب او کوشش کرد و او را به ارزش‌ها و دوری از زشتی‌ها رهنمون ساخت.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه ۴۴)

-۲۵۹

(فرهار علی‌نژاد)  
شمس در این عبارت، از تأثیر تنبیه معلم در سربراه شدن شاگرد می‌گوید. در نتیجه به تأثیر عوامل محیطی در رشد اشاره دارد. مصراع گزینه ۱ «هم به علت تأثیر منفی همنشین بد، ما را از مصاحبت با او منع می‌کند. دیگر گزینه‌ها به عاملی غیرقابل تغییر در نهاد فرد اشاره دارند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۲)

-۲۶۰

(مهسا عفتی)  
عوامل زیستی، ایجادکننده صفاتی هستند که از قبل در فرد نهفته است. مثل نوزادی که در بدو تولدش بستگان و اطرافیان او تلاش می‌کنند تشخیص دهند از لحاظ ظاهری شبیه کیست. همچنین بروز برخی صفات دیگر نیازمند گذر زمان است و در شرایط خاص ظهور می‌کند؛ مثل هوش، اخلاق و ...  
متخصصان رشد معتقدند علاوه بر عوامل زیستی، عوامل محیطی نیز در تغییرات رشدی مؤثر هستند. یادگیری یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی است که بر روی تغییرات رشدی تأثیر بسزایی دارد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۲)